

کشف يك تن مواد منفجره در اسپانيا از تروريست های جمهوری اسلامی



دوشنبه ۱۳ آذر ماه ۱۳۶۸ برابر با ۴ دسامبر ۱۹۸۹
بهاره ۶۰۰ ریال - سال ششم - شماره ۲۸۵

”انصاف و هوشمندی در فهم جریانات کشور“

پس از مرگ خمینی تا امروز، می‌توان سه ”فصل“ را در مناسبات میان جناح‌های درون حاکمیت متمایز کرد: فصل اول، بلافاصله پس از مرگ خمینی، فصل سرو سامان دادن به جانشینی خمینی، تصویب متمم قانون اساسی در جو انگیزه پس از مرگ خمینی و انتخاب ریاست جمهوری و باین وسیله ”تثبیت نهادهای قانونی“ بود.

در این فصل تاکید همگی عناصر حکومت بر وحدت در دوران آن بود. این تاکید بر انتخاب فوری خامنه‌ای بعنوان جانشین خمینی مبتنی شد.

فصل دوم، فصل یورش جناح ”میانرو“ به سردمداری رفسنجانی و خامنه‌ای، به جناح ”تندرو“ و کسب بسیاری مواضع حساس توسط جناح اول بود. گرفتن رای اعتماد مجلس توسط کابینه پیشنهادی رفسنجانی، تسخیر چندین پست کلیدی قدرت و حذف عناصر جناح متقابل از این پست‌ها و تبلیغ سیاست‌هایی که به ”خمینی زدایی“ پهلوی می‌زدند توسط جناح ”میانرو“، مشخصه‌های برجسته این فصل اند.

فصل سوم، فصل یورش متقابل جناح ”تندرو“، کسب محدود پاره‌ای موقعیت‌های از دست رفته و ایجاد وزن مجددی در زندگی سیاسی کشور توسط جناح نامبرده بود. عقب نشینی رفسنجانی از بسیاری از مواضعش خاصه در زمینه مسایل سیاست خارجی و توسل هر چه بیشتر خامنه‌ای به ”چپ‌نمایی“ و ”وحدت خواهی“ و هم چنین کوشش هر دو جناح برای جلب بخش‌هایی از مردم، یکی با توسل به سیاست ”ارزش‌های مورد قبول و تاکید امام“ مثل تجلیل از سالگرد اشغال سفارت آمریکا، و بقیه در صفحه ۷

هنوان دانشجویان آزاده بودند. جمهوری اسلامی برای اجرای مقاصد تروریستی خود در سراسر جهان پایگاه‌های متعددی دایر کرده است که تحت عناوین مختلف از جمله شرکت‌های تجاری، خانه‌های ”فرهنگی“ و قیره مشغول به اقدامات تروریستی می‌باشند. البته قبل از همه نمایندگی‌های رسمی دولت اسلامی در کشورهای مختلف مرکز و سرچشمه هدایت این گروه‌های تروریستی هستند. دولت‌مردان جمهوری اسلامی از افرادی که ملیت غیر ایرانی دارند نیز برای اشاعه تروریسم استفاده میکنند. نمونه‌های مختلف مانند ماجرای مکه و دستگیری و اعدام ۱۶ کوییتی توسط رژیم سعودی و انفجار هواپیمای آمریکائی توسط یک حزب الله هرب از جمله اقدامات تروریستی رژیم فقها توسط مزدوران غیر ایرانی‌شان است.

روز جمعه ۲۴ نوامبر پلیس اسپانيا موفق به کشف يك تن مواد منفجره متعلق به يك گروه تروريستی ”حزب الله“ در والنسيا گردید. در این ارتباط ۲ تن از اعضای ”حزب الله“ در والنسيا و ۸ تن دیگر در مادرید دستگیر شدند. این گروه از اعضای حزب الله لبنان وابسته به جمهوری اسلامی می‌باشد که از يك سال قبل تحت پوشش يك شرکت صادرات - واردات در والنسيا فعالیت داشته است. به گفته پلیس مواد منفجره در قوطی‌های کنسرو جاسازی شده و در حال انتقال به آدرسی در مادرید توسط یک کشتی تجاری هریبی بود.

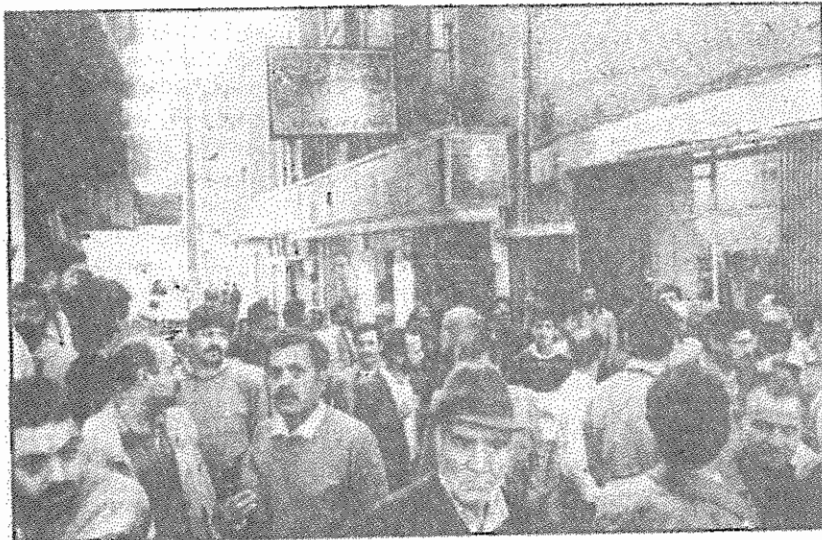
گفته می‌شود هدف این گروه ایجاد يك پایگاه جدید برای فعالیت‌های تروریستی در اروپای غربی و امریکا بوده است.

در میان دستگیر شدگان افرادی با ملیت‌های مختلف از جمله عراقی، لبنانی، سودانی و کوییتی دیده میشوند. اغلب دستگیر شدگان خود را به

مبارزه با تروریسم اقتصادی توسط تروریست های اقتصادی

زراندوزان و سودجویان و ثروتهای بادآورده آنها“ که در شرایط غیر هادی زمان جنگ حاصل آمده‌اند، بعنوان عامل مهم نابسامانی اقتصادی و بقیه در صفحه ۴

۱۳۶ تن از نمایندگان مجلس در نامه‌ای به رفسنجانی خواهان برچیدن کلیه شرکت‌های مضاربه‌ای شدند. در نامه، ”حضور روزافزون و فعال



از دحام برای بازپس گرفتن پول به وام داده شده از یک شرکت مضاربه‌ای

در این شماره

* تشدید فعالیت ”سازمان بورس و اوراق بهادار تهران“

در صفحه ۲

* حمایت از تظاهرات بمناسبت روز جهانی حقوق بشر

در صفحه ۱۲

* درباره سیمای نوین سوسیالیسم

در صفحه ۱۲

پدیده ”افسردگی“ در میان مردم

ارائه نتیجه تحقیقات خود در رابطه با میزان و علت افسردگی در بین اقشار مختلف جامعه پرداختند.

گزارش‌های مختلف علیرقم شرح موضوع از دیدگاه‌های بقیه در صفحه ۷

طی روزهای ۳۰ آبان و اول و دوم آذر از طرف گروه روانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران یک سمپوزیوم افسردگی در بیمارستان روزبه برگزار شد.

در این گردهمایی متخصصین امر و سخنرانان، هریک به بررسی و

مبارزه با تروریسم اقتصادی توسط تروریست های اقتصادی

بقیه از صفحه اول

کمی از نزدیک تر بررسی کنیم: گزارش رسمی بانک ملی ایران درباره حجم نقدینگی موجود در جامعه و شدت رشد آن حاکی از آن است که موجودی اسکناس در سال ۱۳۳۵ کمی بیشتر از ۱/۵ میلیارد تومان بوده است. این موجودی در سال ۱۳۶۵ به ۱۵۰۰ میلیارد در حال حاضر به ۱۹۰۰ میلیارد تومان رسیده است.

از یک سو روشن است که این درجه رشد حجم اسکناس، اولاً بسیار بالاست و در ثانی مطلقاً ناشی از افزایش ارزش افزوده جامعه نیست، بلکه محصول ساده چاپ بی‌رویه اسکناس توسط دولت است. راننده طبیعی چنین اقدامی هم چیزی جز تورم و گرانی سرسام آور و خالی شدن هر چه بیشتر سفره زحمتکشان نیست. هر شرکت های مضاربه ای بیش از چند سال نیست اما تورم و گرانی و کمبود و نابسامانی اقتصادی در رژیم جمهوری اسلامی همساز رژیم است. از این رو، این نه شرکت های مضاربه ای بلکه خود رژیم است که باید بعنوان عامل مهم و اصلی تورم و گرانی و نابسامانی اقتصادی به مردم معرفی شود.

از سویی دیگر، باید پرسید که مگر حجم کل سرمایه های شرکت های مضاربه ای در مقابل ۱۹۰۰ میلیارد تومان موجودی اسکناس چقدر است؟ با تاکید بر اینکه شرکت های مضاربه ای پدیده های در خور یک اقتصاد بیماراند و محلی برای سودآوری های کلان برای عده ای محدود، که باید برچیده شوند، اما اینرا نیز باید گفت که بر اساس تخمین های موجود، حجم کل سرمایه های این شرکت ها به ۱۰۰ میلیارد تومان هم نمی رسد. واقعیت این است که یخس اساسی نقدینگی موجود نه در شرکت های مضاربه ای که گاه با مشارکت تعداد نسبتاً زیادی اندوخته های خرد ایجاد شده اند (برای مثال شرکت شیما - یکی از این شرکت ها - با پول ۱۵۰۰ نفر پرسنل نیروی هوایی ایجاد شده است و چنانکه کیهان می نویسد: "اکثر با فروش اثاثیه و فرش و لوازم زندگی جلفی

رفسنجانی و دولتش نیز تا کنون بسیار بر طبل ضرورت راه انداختن چرخ تولید کوبیده اند.

بی مناسبت نبود که ۴ روز پس از انتشار نامه فوق الذکر اعلام شد که بازار بورس تهران به دامنه فعالیت خود گسترش خواهد داد و دولت باین منظور بعضی تسهیلات را فراهم خواهد کرد. از جمله معاملاتی که در این بازار صورت می گیرند از مالیات معاف خواهند بود.

در شرایطی که بخش های مختلف سرمایه از میدان و امکان متوازی برای فعالیت برخوردار باشند - مشخصه ای که مطلقاً به اقتصاد امروز رژیم تعلق ندارد - سمت این اقدامات و تصمیمات متوجه "سوق دادن سرمایه های مردم بسمت تولید" خواهد بود، اما گستره این اقدامات را در چارچوب اقتصاد امروز رژیم،

تشدید فعالیت "سازمان بورس و اوراق بهادار تهران"

شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار در بخش های سیمان، فولاد و تولیدات صنعتی، غذایی و شکر، نساجی، وسایل نقلیه و لوازم، کافه قهوه و فیبر، وسایل خانگی و ساختمانی، شیمیایی و خدمات می باشد.

تاریخچه فعالیت سازمان بورس اوراق بهادار تهران به سال ۱۳۴۶ باز می گردد. در سال ۱۳۴۵ طبق قانونی که توسط رژیم شاه به تصویب رسید این سازمان فعالیت خود را در زمینه فروش اوراق بهادار آغاز کرد.

در طول فعالیت بازار بورس تهران تا سال ۱۳۵۷، فروش و معامله سهام ۱۰۵ شرکت و بانک و چند موسسه تجاری - خدماتی به عهده این سازمان بود و بزرگترین رقم معامله این بازار در سال ۱۳۵۶ به مبلغ ۴۴ میلیارد ریال به ثبت رسیده است.

فعالیت بازار مزبور پس از توقف چند ساله از زمان انقلاب بمن ۵۷ در سال ۱۳۶۳ بدلیل احتیاجات ریالی و ارزی حکومت اسلامی از سر گرفته شد و به موازات تشدید بن بست مالی آن افزایش یافت بطوریکه میزان معاملات این بازار در سال ۶۷ به مبلغ ۱۰ میلیارد ریال رسید.

۳ - دولت به منظور برچیدن این شرکت ها اقدام لازم را مبذول دارد،

۴ - دولت از چاپ آگهی ها و تبلیغات این قبیل موسسات و شرکت ها جلوگیری بعمل آورد.

پیش از اقدام این نمایندگان، تبلیغات وسیعی نیز در تلویزیون و در مطبوعات علیه شرکت های مضاربه ای به پیش برده شد.

چه تبلیغات مذکور و چه نامه جمعی از نمایندگان مجلس حمله خود را بر نقش مخرب این شرکت ها در اقتصاد کشور، بصورت اشاعه دلالتی و انحراف از سرمایه گذاری های تولیدی، متمرکز کرده اند و "مبارزه با تروریسم اقتصادی و باندهای سیاه" و سوق دادن سرمایه های مردم بسمت تولید ملی را اهداف مبارزه ای که باین شرکت ها باید به پیش برده شود اعلام کرده اند.

سلماسی در سخنان خود افزود: نظر ما این است که وزارتخانه ها، سازمانها و ارگانهایی که سهامدار همده واحدهای تولیدی هستند مازاد بر ۵۱ درصد از سهامشان را از طریق بورس اوراق بهادار به مردم واگذار کنند.

وی در ادامه گفت: برای اینکه اعتماد مردم به بورس اوراق بهادار بیشتر جلب شود ضروری است تکلیف آن دسته از سهامداران واحدهای تولیدی که بر اساس قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران سهامشان ملی شد روشن شود.

در همین راستا "حسن فهمی راد" قائم مقام رئیس کل سازمان بورس اوراق بهادار در مورد شرایط پذیرفته شدن سهام کارخانه ها در بورس اوراق بهادار گفت: بورس اوراق بهادار یک شورای پذیرش دارد که این شورا وضعیت مدیریت، بافت مالی، نوع تولیدات و بازار مصرف شرکت های سهامی عام متقاضی پذیرش در بورس را بررسی و در صورتی که این عوامل مثبت ارزیابی شوند سهام این واحدها از طریق بورس اوراق بهادار به مردم عرضه خواهد شد.

مطابق اظهارات "فهمی راد" زمینه فعالیت

اجتماعی معرفی شده است. در این نامه فعالیت "برخی از این ثروت اندوزان که با استفاده از قانون اسلامی مضاربه اقدام به تاسیس و تشکیل موسساتی تحت عنوان شرکت های مضاربه ای" کرده اند، مورد "انشاء" قرار گرفته و نتایج نامطلوب این فعالیت، خاصه منحرف کردن اندوخته های مردم از گرایش به سمت تولید ملی، بر شمرده شده و در پایان خواسته شده است که:

۱ - دولت تسهیلات ضروری جهت جلوگیری از خروج سپرده مردم بخارج از مرزها به عمل آورد،

۲ - دولت از ثبت رسمی اساسنامه شرکت های مضاربه ای و موسسات و سازمان های مشابه آنها در مراجع رسمی و قانونی جلوگیری بعمل آورد،

در پی سیاستهای جدید اقتصادی حکومت و گسترش زمینه های فعالیت بخش خصوصی در کشور، "بازار بورس تهران" به تشدید فعالیت های خود در زمینه فروش سهام و اوراق بهادار واحدهای تولیدی پرداخت.

طبق گزارش های سازمان مزبور فعالیت این مرکز در پی رکودی چند ساله مجدداً گسترش یافته بطوریکه میزان فعالیت این سازمان در طی ۸ ماهه فروردین تا آبان ماه ۶۸ نسبت به میزان مشابه در سال قبل ۶۰ درصد افزایش داشته و حجم معاملات آن به ۳ میلیارد و ۸۰۰ میلیون ریال رسیده است. این فعالیت در فاصله یک هفته یعنی از تاریخ ۲۵ تا ۲۴ آبان ماه مبلغی بالغ بر ۲۶۹ میلیون و ۴۶۳ هزار و ۹۷ ریال بوده که سهام مربوطه به ۱۹ واحد تولیدی رادر برمی گیرد.

رجائی سلماسی رئیس کل سازمان بورس اوراق بهادار تهران اعلام کرد: از طریق بورس اوراق بهادار سهام شرکت ها و واحدهای تولیدی به "مردم" از طریق کاملاً نظارت شده عرضه می شود و بهمین دلیل خطر سوخت سرمایه نه تنها وجود ندارد بلکه منافع قابل توجهی نصیب سهامداران خواهد کرد.

“اول تست می کنند تا بعداً آمپول را بزنند”

اتوبوس‌های ریالی شرکت واحد به جای اتوبوس‌های بلیطی به کار افتادند



در میهن آخوندزده ما مردم زحمتکش از هر طرفی چپاول می‌شوند. رژیم آخوندی برای چرخاندن اقتصاد فلج و بیمار کشور، هر روز به شیوه‌ای تازه به جیب خالی زحمتکشان دستبرد می‌زند. در سال‌های گذشته قیمت بلیط اتوبوس‌های واحد به تدریج از ۵ ریال به ۱۰ ریال افزایش یافت و اکنون طرح ۲۰ ریالی شدن اتوبوس‌های شرکت واحد و گرفتن پول به جای بلیط توسط راننده به مرحله اجرا درآمده است. البته سردمداران رژیم از حمایت مردم نسبت به افزایش قیمت این وسیله عمومی آگاهند و با توجه به نمونه‌های تاریخی و اعتراضات عمومی مردم در مقابله با افزایش قیمت بلیط اتوبوس‌های واحد، برای عملی ساختن طرح چپاولی خود با احتیاط قدم برمی‌دارند. از پانزده سال گذشته در چند خط اتوبوس‌رانی شهر تهران طرح فوق‌الذکر بطور “آزمایشی” به کار گرفته شد و اکنون حدوداً در هشتاد مسیر از این شیوه استفاده می‌شود.

جریان از این قرار است که اتوبوس‌ها به جای بلیط از مسافریان وجه نقد به مبلغ ۲۰ ریال اخذ می‌کنند و شرکت واحد اتوبوس‌ها را روزانه از قرار ۸۰۰ و اخیراً ۱۰۰۰ تومان به رانندگان اجاره می‌دهد. راننده مجبور است هر روز ۱۰۰۰ تومان به شرکت بپردازد و نیز دخل و خرج خود را نیز از این راه بدست آورد. البته هلت و فلسفه ظهور اتوبوس‌های ریالی از طرف شرکت واحد سریع‌السير بودن این اتوبوس‌ها ذکر شده است. به این ترتیب که این اتوبوس‌ها در ایستگاه‌های کمتری در بین راه توقف داشته و مسیرشان از بزرگراه‌ها و نقاط کم ترافیک شهر بوده است.

و اما ببینیم این ادعاها در عمل به چه شکل درآمده‌اند و چه مشکلی را از مشکلات بیشمار مردم حل کرده‌اند. رانندگان این اتوبوس‌ها برای تأمین هزینه سرسام‌آور زندگی خود و پرداخت روزانه ۱۰۰۰ تومان به شرکت واحد بیش از حد ظرفیت سوار می‌کنند و برعکس ادعای مسئولان علاوه بر

تمهیه و در شرکت شیما سرمایه‌گذاری کرده بودند” بلکه در دستان تعداد محدودی کلان تاجر و سرمایه‌دار جمع شده‌است معرفی شرکت‌های مضاربه‌ای بعنوان عاملین ایجاد بازار سیاه و فیره، آزاد گذاشتن عوامل اصلی تمامی این بیماری‌های اقتصادی است. پیش از ایجاد شرکت‌های مضاربه‌ای نیز بازار سیاه و گرانی و... در جامعه بیداد می‌کردند.

به این ترتیب از این “مبارزه با تروریسم اقتصادی” جز اقداماتی علیه چند شرکت، آنهم آنهایی که یا امکان بالا کشیدن سپرده‌های سهامداران و انتقال آنها به خارج را نداشته‌اند و یا راه بند و بست شرعی با حاکمیت را نیافته‌اند، هاید نخواهد شد. تشویق سهامداران این قبیل شرکت‌ها به بازپس گرفتن سپرده‌هایشان و وارد کردن آن در فعالیت‌های تولیدی هم در شرایط سودآوری بسیار بالای سرمایه تجاری و ربایی و در حالیکه “ثبت یک شرکت تجاری یا مضاربه‌ای ۲۴ ساعت طول می‌کشد حال آنکه گرفتن موافقت اصولی برای کار تولیدی سالها زمان می‌برد و تازه معلوم نیست موافقت اصولی صادر شود.” کاری به نفع فعال کردن بخش تولید از پیش نخواهد برد.

اما همه مشکلات این “مبارزه با تروریسم اقتصادی” به اینها محدود نیستند. چنانکه در نامه نمایندگان مجلس به رفسنجانی هم منعکس است، این شرکت‌های مضاربه‌ای با استفاده از قانون اسلامی مضاربه تاسیس شده‌اند.

بر اساس مضاربه که “یکی از عقود شرع مقدس اسلام” است دو یا چند نفر سرمایه و کار خود را روی هم ریخته و در سود و ضرر آن کار و سرمایه به نسبت سهم خود شریک می‌شوند. ظاهر این عقد بر شرکت‌های مضاربه‌ای مصداق ندارد، زیرا آنها “سود ثابتی را به صاحب سرمایه می‌پردازند.

از این قرار “مشکل بزرگ رژیم در این “مبارزه” یک مشکل شرعی است. یافتن راه‌های تبدیل “سود ثابت” به “مشارکت در سود و ضرر به نسبت سهم کار و سرمایه” خود برای کلان تاجران که در حاکمیت هم دست دارند ابداً دشوار نیست. آنگاه دیگر سرو کار دولت با “شرکت‌های مضاربه‌ای راستین” خواهد بود.

ایستگاه‌های بین راه در بین ایستگاه‌ها نیز جهت سوار کردن مسافریان دیگر و کسب کرایه بیشتر توقف می‌کنند. این مسئله زمان انتقال مسافریان را کندتر از قبل کرده و خطرات جانی نیز به همراه آورده است. راننده برای بالا بردن تعداد سرویس‌های خود مجبور است به قوانین رانندگی بی‌توجه بماند و با سرعت غیر مجاز رانندگی کند، این امر به اقرار خود مسئولین شرکت واحد موجب تصادفات بیشتری شده است.

طبق اظهارات رانندگانی که در این طرح کار می‌کنند روزانه ۱۰۰-۱۵۰ تومان از درآمد این اتوبوس‌ها به راننده تعلق می‌گیرد که این مبلغ در بعضی از روزها و خصوصاً روزهای تعطیل که مسافر زیاد نیست کمتر و حتی برخلاف دخل اتوبوس سهم شرکت واحد را نیز کفایت نمی‌کند و راننده مجبور است از درآمد روزهای قبل مابقی آن را جبران کند. علاوه بر این برای تعجیل در رانندگی و اضطراب پرکردن دخل احتمال تصادف بالا می‌رود و در صورت وقوع تصادف راننده مجبور است از جیب خود خسارت را بپردازد. در محاسبات طولانی‌مدت برای راننده این معامله سودی ندارد و پول به‌فارت رفته از جیب مردم، سرانجام به کیسه بی‌سروته دولت‌خردان می‌ریزد.

برای هر چه روشن‌تر شدن قضیه بهتر است که کم و کیف آنرا از زبان مسافر یکی از این اتوبوس‌ها بشنویم:

“اصل حرف من این است که مگر در تهران اتوبان جدید زده‌اند؟ مگر جاده اضافی کشیده‌اند؟ پل هوایی زده‌اند؟ آخر این خط‌سریع‌السير دیگر چه معنی دارد؟ امکانات جدیدی که به وجود نیآورده‌اند، هر چه هست امکاناتی است که از قبل بوده، خوب چرا همین امکانات موجود را به همان اتوبوس‌های بلیطی که ۱۰ ریال قیمتش بود، ندادند. چه اشکالی دارد که این امکانات را با همان اتوبوس‌های ۱۰ ریالی در اختیار مردم قرار دهند. اگر خیابان یا بزرگراه جدیدی ساخته‌اند، بگویند ما هم بنحیثی که این اتوبوس‌های ۲۰ ریالی به خاطر آن است. ولی حالا چی شده؟ اتوبوس‌ها همان مسیر را می‌روند، همان کار را می‌کنند، فقط کرایه را کرده‌اند ۲۰ ریال. من می‌گویم اگر اینها امکانات دارند به همان اتوبوس ۱۰ ریالی بدهند، ولی راننده‌اش را تأمین کنند. چرا من مسافر را باراننده درگیر می‌کنند؟ اگر می‌خواهند گران کنند یک دفعه بگویند و خیال همه را راحت کنند. چرا تیکه‌تیکه اول تست می‌کنند تا بعداً آمپول را بزنند، بابا یکدفعه کار را یکسره کنید، یک بام و دو هوا که نمی‌شود. یک اتوبوس بلیطی، یک اتوبوس ریالی. همه حرف‌هایی که درباره ریالی کردن اتوبوس می‌زنند صرفاً حرف است. هیچ‌کدام واقعیت ندارد فقط می‌خواهند به تدریج کرایه اتوبوس را گران کنند.”

دادستانی انقلاب و اعلان جنگ جدید

باردیگر "دادستانی انقلاب" حکومت در تهران طی صدور اطلاعیه‌ای با استناد به مواد یک، چهار و پنج قانون مصوب مجلس اسلامی به اعلان جنگ علیه کسانی پرداخت که به اعتقاد این نهاد با "تظاهر و تجاهر علنی به گناه و فسق در معابر و اماکن عمومی" تلب "امت حزب الله" را جریحه دار و کاسه صبرشان را البریز ساخته‌اند.

دادستانی انقلاب اسلامی تهران به همین خاطر اعلام داشت: "فسق و فجور علنی را در معابر و اماکن عمومی حرکتی ضداسلامی و مخل میانی نظام مقدس جمهوری اسلامی دانسته و در جهت اجرای کامل مفاد قانون مصوب مجلس شورای اسلامی از لحظه صدور این اطلاعیه با تخلفات ذیل برخورد خواهد کرد:

- ۱- کسانی که اقدام به تولید، ورود، فروش البسه یا وسایل و نشان‌های مبتذل و خلاف اسلامی نموده که هفت عمومی را جریحه دار می‌کنند.
- ۲- افراد بدحجاب و کسانی که در ملاءعام و انظار عمومی از البسه و وسایل و نشان‌های فوق‌الذکر استفاده نموده و وضع و پوشش و آرایش آنان خلاف شرع و یا موجب ترویج فساد و متک هفت عمومی باشد.
- ۳- کسانی که اقدام به ورود، تهیه، تکثیر و توزیع تصاویر فیلم‌ها و نوارهای مبتذل نمایند."

طرح اقدام چند وزارتخانه و سازمان دولتی

به موجب اعلامیه صادر شده از سوی کمیسیون امور اداری و استخدامی مجلس طرح اقدام چند وزارتخانه و سازمان دولتی در یکدیگر و ایجاد وزارتخانه‌های جدید برای تصویب به مجلس ارائه خواهد شد.

مطابق طرح قانونی یادشده و ماده واحده آن وزارتخانه‌ها و سازمان‌های معادن و فلزات، صنایع سنگین، صنایع کشاورزی و عمران روستایی، جهاد سازندگی روستاها، نیرو، نفت، سازمان انرژی اتمی و سازمان حفاظت محیط زیست منحل می‌شوند و وظایف آنها به وزارتخانه‌های جهاد توسعه روستاها و آب و کشاورزی، منابع طبیعی و امور دام، انرژی و صنایع و معادن منتقل می‌شود.

تبصره ۱- الف طرح در مورد انتقال وظایف اعلام میدارد که وظایف عمران و روستایی و زراعت و آب مربوط به جهاد سازندگی، کشاورزی و نیرو به "وزارت جهاد توسعه روستاها و آب و کشاورزی" واگذار می‌گردد.

در بند تبصره ۱ کلیه وظایف منابع طبیعی، محیط زیست، دام، شیلات مربوط به جهاد سازندگی، کشاورزی و محیط زیست به "وزارت منابع طبیعی و امور دام" واگذار می‌گردد.

تسهیل امر و گذاری معادن به بخش خصوصی

وزیر معادن و فلزات روز ۲۹ آبان بر پایه تصمیم دولت بخشنامه‌ای را جهت تسهیل در امر و گذاری مالکیت بیش از یک هزار معدن در سراسر کشور به سرمایه‌داران را صادر کرد. بر اساس بخشنامه جدید، اختیارات وزیر در زمینه فوق به مدیران کل معادن و فلزات تفویض می‌شود تا از این طریق با کاهش تشریفات

دادستانی مامورین حکومت را موظف می‌سازد که مطابق مواد ۱ و ۳ و ۵ قانون مربوطه نسبت به جمع‌آوری البسه و وسایل نامبرده از محل‌های تولید و فروش اقدام نموده و متخلفین را جلب و به دادسرای انقلاب اسلامی مبارزه با منکرات تحویل دهند.

حکومت اسلامی که در بحران حاد اقتصادی-اجتماعی و درگیری‌های سیاسی درون خود روبروست هر بار که خود را در تنگنایده‌است به بازی‌هایی چون "مبارزه با گرانفروشی"، "مبارزه با احتکار" و... ده‌ها نوع دیگر از اینگونه "مبارزه‌ها" دست یازیده تا بلکه با مشغول ساختن اذهان مردم با ترندی جدید، افکار عمومی را از معضلات حکومت ساخته منحرف سازد. پیرو همین سیاست رژیم باردیگر از زبان "دادستانی انقلاب" مبارزه با منکرات را اعلام داشته‌است.

نکته قابل توجه پس از صدور اطلاعیه فوق مقاومت مردم علیه مامورین و چماق‌بدستان حکومتی بوده است که منجر به درگیری بین مردم و آنان شده است. در همین ارتباط چند روز پس از صدور این اطلاعیه دادستانی مجبور گردید اعلام نماید که مامورین از درگیری و ضرب و شتم پرهیز نمایند.

طرح اقدام چند وزارتخانه و سازمان دولتی

بندج این تبصره کلیه وظایف وزارت نفت و شرکت‌های وابسته، سازمان انرژی اتمی و وظایف نیرو به غیر از آب را به "وزارت انرژی" منتقل می‌کند.

بندد تبصره فوق وظایف سه وزارت معادن و فلزات، صنایع سنگین و صنایع را به "وزارت صنایع و معادن" محول می‌نماید. بر اساس تبصره‌های ۲ و ۳ ماده واحده طرح، هیات دولت موظف است که ظرف مدت سه ماه ضمن تفکیک وظایف اقدام شده در وزارتخانه‌های جدید، به انتقال امکانات و نیروهای وزارتخانه‌هایی که مطابق قانون منحل می‌گردند به وزارتخانه‌های جدید اقدام نماید.

طرح اقدام برخی از وزارتخانه‌ها و وظایف آنها با یکدیگر و حذف برخی دیگر نشان دهنده بن بست و بحران در دستگاه‌های اداری و اجرایی حکومت است.

سران حکومتی گاهی خود را مجبور می‌بینند که به ایجاد مراکز، سازمان‌ها، نهادها و وزارتخانه‌های جدید بپردازند و گاهی ناچار می‌شوند از تعداد آنها کاسته و با مترکم کردن و واگذاری وظایف آنها به یکدیگر بن بست و بحران دستگاه حکومتی خود را هلاج ببینند.

تسهیل امر و گذاری معادن به بخش خصوصی

اداری، امر و گذاری معادن کشور به بخش خصوصی تسریع گردد. روابط عمومی وزارت معادن و فلزات هم بر اساس این بخشنامه اعلام کرد که معادن سنگ‌های تزئینی به سرمایه‌داران داوطلب برای استخراج و بهره‌برداری واگذار می‌شود. طبق گزارش روابط عمومی وزارتخانه مزبور

داوطلبان مایل به استخراج از معادن سنگ‌های تزئینی می‌توانند ظرف مدت ۶ ماه با استقرار ماشین‌آلات برش در معادن و تایید کارشناسان بازدیدکننده به بهره‌برداری اقدام کنند.

این گزارش می‌افزاید: واگذاری معادن سنگ‌های تزئینی نیاز به استعلام از شرکت‌های صدرصد دولتی تحت پوشش وزارت معادن و فلزات ندارد مگر در مواردی که کاشف معدن بوده و یا طرح در دست اقدام داشته باشند و یا از نظر اداره کل استان به مصلحت تشخیص داده شود.

قرار داد استرداد مهاجرین بین

ایران و پاکستان و ترکیه

سفر چهارروزه "نوری" وزیر کشور حکومت اسلامی به پاکستان که از ۲۷ آبان ماه آغاز شده بود پایان یافت. در پایان دیدار نوری و هیئت همراه که از مسئولان سیاسی، امنیتی، انتظامی و فرماندهان نیروهای انتظامی حکومت تشکیل شده بود، وزرای دو کشور یک یادداشت تفاهم امضا کردند.

در یادداشت تفاهم طرفین ضمن تاکید بر تلاش در جهت تحکیم روابط فیما بین و افزایش مناسبات اقتصادی در چارچوب "اگو" اعلام داشتند که دو کشور در زمینه مبارزه با مواد مخدر و مسائل امنیتی اقتصادی و سیاسی توافق کرده و به همکاری‌های همه جانبه خود ادامه می‌دهند.

"افتراز احسن" وزیر کشور پاکستان با اشاره به مذاکرات جاری خود با "نوری" در یک مصاحبه اعلام کرد: "دولت پاکستان اطمینان می‌دهد که به هیچ وجه این کشور برای عملیاتی علیه منافع انقلاب اسلامی بکار نخواهد رفت و پاکستان تمامی امکانات خود را برای همکاری کامل با جمهوری اسلامی صرف خواهد کرد." "نوری" نیز با اشاره به مذاکرات خود با مقامات پاکستانی اضافه کرد: "جمهوری اسلامی ایران به هیچ وجه پایگاه و جایگاهی برای مخالفین پاکستان نخواهد بود و مقامات پاکستانی نیز تاکید دارند که متقابلاً مخالفین انقلاب اسلامی در این کشور جایی را نخواهند داشت. لذا تمامی عناصری که بخواهند دست به شرارت، جنایت، آدمکشی و ترور بزنند نخواهند توانست در داخل خاک پاکستان جای پای داشته باشند."

بنا به اظهارات وزرای دو کشور یکی از اهداف اصلی سفر هیئت مزبور به پاکستان همکاری در سرکوب مخالفین سیاسی دو کشور می‌باشد که در یادداشت تفاهم منتشر شده طرفین در این زمینه به توافق رسیده‌اند.

لازم به تذکر است که در ارتباط با سرکوب مخالفین سیاسی در کشورهای همجوار قرار داد مشابهی نیز بین ایران و ترکیه منعقد شده است. فرمانده کمیته انقلاب اسلامی آذربایجان قریب طی مصاحبه‌ای در روز ۳۰ آبان اعلام کرد که بر اساس پروتکل امضا شده بین ایران و ترکیه از این پس کلیه مجرمان فراری و قاچاقچیان بین المللی تحت تعقیب قرار می‌گیرند و پس از دستگیری به مقامات قضایی دو کشور تحویل می‌شوند.

هجوم شرکت ها و کمپانی های فرانسوی به ایران

از میان نامه ها و گزارش ها

سبب زمینی ها را به زور گرفتند

بخشی از یک نامه

... از آشنای کشاورزی پرسیدم که امسال محصول خوب بود؟ جواب داد بلی امسال خوب بود. ولی هنگام برداشت محصول اوایل آبان ماه هدیه ای پاسدار با تفاق شخصی بنام رفیق دوست به مزارع و انبارهای سبب زمینی ها هجوم آوردند و از روستائیان خواستند که سبب زمینی را از قرار کیلویی ۵۰ ریال به آنها بفروشند. کشاورزان از فروش سبب زمینی بدولت امتناع کردند و اظهار داشتند که ما کود و سم را از بازار آزاد تهیه کرده ایم، چای و قند و شکر را به قیمت گزاف بدست آورده ایم برنج کیلویی ۱۳۰ تومان، پارچه پوسیده متری ۱۵۰ تومان و همه وسایل زندگی را به این سیاق خریداری کرده ایم و حالا شما می خواهید دسترنج ما را کیلویی ۵۰ ریال از ما به زور سر نیزه بگیرید. ما محتاج ما روستائیان را از آن در دسترس ما قرار دهید آنگاه سبب زمینی و محصولات دیگر را از آن ما طلب کنید.

خلاصه روستائیان مقاومت کردند و درگیری های شدیدی رخ داد. عده زیادی مضر و ب و تعدادی دستگیر و روانه زندان شدند که هنوز هم زندانی هستند. ما موران رژیم هجوم آوردند در انبارها را شکستند و دسترنج ما را به قارت بردند...

تاسه نقر تلفات هنگام آموزش

مجاز است!

بخشی از یک نامه:

"...پسر ما را که سر بازی رفته به واحد آموزش سپاه واقع در شهریار برده اند او می گوید روزی یک وعده غذا آنهم نان مانده با کمی آش و یا آبگوشت بدون گوشت به ما می دهند. فرمانده ما که به گفته خودش قبلا باج گیر میدان بارفروشما بوده است، می گوید که به ما اجازه داده اند هنگام آموزش تا ۳ نفر تلفات داشته باشیم. هر شب ما را به عملیات شبانه می برند. روستائیان اطراف از صدای تیراندازی خمپاره و آر. پی. جی. خواب راحت ندارند. چند روز پیش یکی از هم دوره های ما در پرش اجباری از کامیون در حال حرکت بر اثر اصابت سرش به زمین جا بجا جان داد.

به ما مرخصی نمی دهند. سربازان مجبورند برای رهایی چند روزه تمارض کنند و حتی تن به عمل جراحی غیر ضرور آپاندیسیت و غیره دهند تا بدین طریق چند روز راحت شوند و یا به مرخصی بروند.

ما نمی دانیم اسم این شکنجه گاه را چرا یادگان آموزشی سپاه گذاشته اند...

را به تهران اعزام دارند که از این میان ۳۲ شرکت انتخاب شده اند که نمایندگان آنها کمپانی های دیگر را نمایندگی می کنند. گفته می شود در هیئت اعزامی اقتصادی فرانسه به ایران شرکت های مهندسی مشاور، فلانت قاره نفتی، پتروشیمی و گاز، مخابرات، کشاورزی و ماشین آلات کشاورزی، لوازم پزشکی، صنایع غذایی، خودروسازی و نیز یک گروه در زمینه فعالیت های جهانگردی و احداث هتل حضور دارند.

لازم به تذکر است بعد از تصمیم کشورهای عضو بازار مشترک اروپا برای اعزام مجدد سفرای خود به تهران کشورهای مزبور به سرعت در جهت گسترش مناسبات سیاسی و اقتصادی خود با حکومت اسلامی برآمده اند و تاکنون نمایندگان کمپانی های ایتالیایی، سوئدی جهت شرکت در برنامه های بازسازی دولت رفسنجانی به تهران سفر کرده اند و توافق نامه ها و قراردادهایی نیز میان طرفین به امضا رسیده است؛ و حالا نوبت به شرکت ها و کمپانی های فرانسوی رسیده است.

پس از بهبود مناسبات ایران و فرانسه و دیدار و مذاکرات مقامات وزارت خارجه دو کشور و قول و قرارهای طرفین برای حل اختلافات مالی، "کریستین گراف" سفیر فرانسه در جمهوری اسلامی اعلام کرد یک هیئت اقتصادی بزرگ از نمایندگان شرکت ها و کمپانی های فرانسوی جهت شرکت در "برنامه های بازسازی" دولت رفسنجانی و همکاری در بخش های مورد علاقه طرفین به ایران سفر خواهد کرد.

سفیر فرانسه روز ۳۰ آبان در دیدار با "هلینتی خاموشی" رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ضمن اعلام این خبر بر تجدید مناسبات سیاسی و اقتصادی دو کشور تاکید کرد.

"گراف" در سخنان خود افزود: مرکز ملی صنایع فرانسه با شرکت حدود ۱۰۰ شرکت فرانسوی در آوریل گذشته اجلاس را تشکیل داد که در آن راه های توسعه روابط اقتصادی دو کشور مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت. همچنین در ارتباط با سفر هیئت بزرگ اقتصادی فرانسه، وابسته بازرگانی سفارت فرانسه در ایران اعلام کرد که ۷۵ شرکت و کمپانی فرانسوی آماده بودند که نمایندگان خود

پایان دیدار ولایتی از چند کشور آسیایی و آفریقایی

کرد: موافقتنامه های حقوقی و قانونی که بر اساس حقوق بین الملل تدوین شده قابل تغییر نیستند و قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر مبنای تعیین حدود مرزهای دو کشور می باشد.

دیدار اخیر ولایتی از این کشورها در جهت جلب حمایت آنها از مواضع جمهوری اسلامی و زیر فشار قرار دادن عراق به لحاظ سیاسی در جهت اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت است. بنا به گزارش های منتشره قرار است ولایتی تا دو هفته دیگر با دبیر کل سازمان ملل متحد در نیویورک پیرامون پیدا کردن راه حل شکستن بن بست مذاکرات صلح ایران و عراق گفتگو کند. "خاویر پرز دو کوئیار" بعد از پایان سفر "الیاسون" نماینده ویژه وی به ایران و عراق از وزرای خارجه دو کشور برای انجام گفتگوهای صلح در نیویورک دعوت بعمل آورده است.

روز جمعه "ولایتی" وزیر امور خارجه به دیدار خود از چند کشور آسیایی و آفریقایی که از هفته گذشته آغاز شده بود پایان داد.

ولایتی ضمن دیدار از کشورهای یمن جنوبی، عمان، کنیا، زامبیا و تانزانیا با مقامات این کشورها دیدار کرد و پیام های جداگانه ای از سوی رفسنجانی به روسای این کشورها تسلیم نمود.

ولایتی در دیدار خود از عمان، ضمن تسلیم پیام رفسنجانی به "سلطان قابوس" پادشاه عمان با وی پیرامون اوضاع منطقه، اجرای قطعنامه ۵۹۸ و گفتگوهای صلح ایران و عراق و اهمیت وجود روابط بین کشورهای منطقه به مذاکره پرداخت.

در عمان ولایتی همچنین با "یوسف بن هلوی" وزیر مشاور در امور خارجه این کشور دیدار و گفتگو نمود. ولایتی در این دیدار اعلام



جمعی از معتمدانی که برای اعزام به اردوگاه کار اجباری توسط رژیم ایتادگستر جمهوری اسلامی جمع آوری شده اند



اشتباهات! امیر المؤمنین

به نقل از نشریه روزگار نو

اینکه می گویند "مواظب باش یکدفعه شست پات تو چشمت نره" برای این است که بر سر انسان آن بلانی نیاید که بر سر حجت الاسلام سید حسن میردامادی از اجله فضلالی حوزه علمیه قم آمد. حجت الاسلام برای خوش خدمتی نسبت به نظام جمهوری اسلامی و سنگ تمام گذاشتن، جهت امام، در شب شهادت حضرت امیر به فکر نوشتن يك "مدح شبیه به ذم" افتاده بود، مطلبی که از خواندن آن نخست خواننده بی خیر گمان ببرد که وی می خواهد ذم کسی را بکند ولی در پایان سخن نریاید که مقصودش میالغه در مدح بوده است... و فکر می کرد که با این شکر توئی دهان همه آنهاش می زند که به جمهوری اسلامی پشت کرده اند و از بنیانگذار آن نومید شده اند...

در زیر چکیده ای از این مقاله را می خوانید:

در ایام شهادت او چه می توان گفت جز آنچه منجر به شهادتش شد؟ در دیدگاه آنها که "شهادت" تهلکه است، این خود علی (ع) بود که با دست خویش به این راهی در غلغله و خود مسئول همه وقایع بود. از دید واقعی آنها، از بود که با "اشتباهات!!" بزرگ زندگیش خود را به زحمت افکند و سالها گوشه نشینی و بعد درگیری با یاران رسول الله (ص) و اصحاب سابقه دار اسلام را به جان و دل پذیرفت. اگر او به تذکرات انسان های "نامح" و "دلسوز" گوش فرا می داد از پافشاری بر عقاید خاص خودش دست می کشید، انجنان تنها نمی شد که نزدیکترین یارانش او را رها کنند و به دامان معاویه پناه برند. همه "تقصیرها" بر عهده خودش بود که ذره ای "ترحم"، "مصلحت اندیشی" و "عاقبت نگری" نداشت وگرنه چرا اینهمه انسان های "مقدس خوب" و "پولدار" او را تنها گذاشتند...

اگر فقط به زندگی پنج ساله حکومتش که برای مردم زمانش جز "جنگ"، "ویرانی"، "کشتار"، "برادرکشی" و "تخریب اقتصادی" شمره دیگری نداشت نگاهی بیفکنیم خواهیم دید که او "مستحق" کشته شدن در "حروب" بود و این واکنش طبیعی فشارهای وارده بود و مگر نه آنکه "تندروی" بی رویه موجب برخورد افراد می شود...

وقتی عثمان که در جذب نیروهای فعال جامعه و مغزهای متفکر و افراد سابقه دار زحمت فراوانی کشیده بود... و اکثر یاران رسول خدا در دستگاه حکومتی وی دارای مناصبی شده و به "حق" خویش رسیده بودند... به قتل رسید، علی (ع)... پا در رکاب حکومت گذاشت و بر منبر بالا رفت... گفت: به خدا قسم اگر از اموالی که عثمان بین شما تقسیم کرده بیایم که در کابین زناستان یا خرید کنیزکان مصرف شده، به بیت المال بخواهم گرداند. (خطبه ۱۵ نهج البلاغه)

... کسی نبود در آنجا بگوید: علی جان يك کسی او امتر، آخر چه کار داری به این حرفها. بگذار يك مقدار مستقر بشوی! کم کم که در حکومت جا افتادی بعد آهسته آهسته اول با نصیحت به آنها بگو خودشان با دست خودشان "مبالغی" بیاروند، تو هم آنها را بگیر و خرج محرومین کن. مردم نظرتا خوب هستند خصوصاً طبقات پولدار که هم فهمیده ترند، هم مؤدب ترند، هم تمیزترند، هم مفیدتر! ببین يك نفر آنها به سدها و هزاران بی پول "پایستی" می آورد.

شاید هم کسانی به او گفتند، اما او گوش به این حرفها نداد. دست به اقدامی "اهانت آمیز" زد که بسیاری از افراد را رنجاند. دستور داد در

بیت المال را گشودند و حساب کردند سرانه به هرکس هرچه می رسید پرداخت: "سه درهم" به نظر شما این کار صحیح بود؟

آخر بعضی افراد شخصیت داشتند، آبرو و اعتبار داشتند، چرا به این مسائل توجه نکرد! تندروی تا چه حد؟ حتی وقتی افراد دلسوز! گاه با زبان تصیحت و گاه با زبان طعن و سرزنش به او گفتند چرا چنین می کنی! در پاسخ آنان به جای اینکه روش تند خودش را اصلاح کند، سخنرانی کرد... و سخنانی گفت که بیانگر روح پر تلاطم او بود...

همین سخنان بود که یاران سابقه دار و دیرینه اش حتی پسر عمه اش را که سالها با یکدیگر در رکاب پیامبر جنگیده بودند، واداشت تا از او جدا شوند و به همراه همسر رسول خدا به بصره بروند و در آنجا لشکری را گرد آورده و به جنگ او بشتابند!...

اگر او روزهای اول به جای اینهمه تندروی، قدری "دوراندیشی" می داشت هرگز چنین نمی شد که در بصره آشوب بپا شود و او به جای پرداختن به "سازندگی" مجبور به "لشکرکشی" شود و مردم را از کار و زندگی بیندازد و به همراه خود "در گرما و سرما" به شهر با مقدسین و مؤمنین پولدار ببرد... و کار به جایی برسد که... همدای مخالفت حتی به خانه "شهید" نیز نفوذ کند، و همسر شهیدی "ناله و نقرین" سر بدهد و از "او" بد بگوید که چرا به خانواده ایتام سر نزده و در رفع مشکلات آنها گامی برنداشته است! آخر انسان با اینهمه تندروی برای خودش مشکل می سازد و از کارهای اساسی باز می ماند...

برادری دارد عالم، پیرمرد مؤمن و پرهیزکار، نام او عقیل که ناپینا شده است. شب هنگام به خانه اش می رود، چهره زرد فرزندانش را می بیند دلش می سوزد، شب دیگر عقیل به خانه او می آید و از هر دری سخن می گوید. چندین بار آمده و با او سخن گفته اما "دل سخت" علی (ع) ذره ای "ترحم" نیافته و دستان خیسبرگشای او قدرت گشودن کلید خزانه بیت المال را نداشت و نه تنها به این بنده خدای بی چیز، "چیزی" از اموال نداده که آهن سرخ گذاخته را در دستانش گذاشته و "فریاد آتش سوختم" عقیل را بر آسمان بلند کرده، آنگاه به خنده تلخ گفته "این آتش بود که بنده ای از بتدگان خدا برای شوخی آماده کرد و تو اینچنین فریاد می زنی. با اینحال چطور مرا به سوی آتش غضب جبار می کشانی! مادرت به عزایت بنشیند!"

آخر این چه شوخی بوده؟ آیا عقیل ذیحق نیست که او را ترک کند و نزد معاویه، صاحب جود و سخا! برود؟...

یاری دارد به نام نجاشی، فردی است "شاعر توانا" و "هنرمند با قدرت". در سحنه جنگ همراهش بوده و با اشعار حماسی خود، جمع یارانش را گرم کرده و به صف مجاهدین، شور و حرارت بخشیده است.

يك روز ماه رمضان از کنار خانه ای می گذرد، دوستی او را دعوت به منزل می کند. "شیطان" قریبش می دهد، گول می خورد و داخل می شود. در آنجا کباب و شراب آماده است و او از فردی می خورد. مست لایحل می شود بنای بد مستی می گذارد. دستگیر می شود و به نزد علی برده می شود. محاکمه اش می کند، هشتاد خرب شلاق برای شراب خواری، بیست خرب هم برای بی حرمتی به ماه رمضان! در ملا عام، محکم و استوار حکم را صادر می کند، هرچه بادا باد. شبانه به درب خانه اش می آیند بزرگانی از لشکرش، و وساطت می کنند: اقا این ابرومند است، این هنرش به درد می خورد، این تخصص مورد لزوم دارد، این می تواند برای حکومت تو مفید باشد، او را شلاق نزن، آبرویش را نریز، اگر چنین کنی ممکن است از تو بگریزد. گوش به حرف هیچکس نمی دهد. روایت از پیامبر می خواند که او فرموده: امت های قبل از شما نابود شدند زیرا حدود الهی را در رابطه با ضعفای جاری می ساختند و اقویا را مستثنی می کردند.

خوب! او را در میان میدان خوابانده و شلاق زده است! آبروی او را برده، نه يك ذره عفو! نه بخشش! نه به منقب رحمان و رحیم بودن خدا تاسی کرده، نتیجه اش هم کاملاً واضح بود و بسیاری از "عقلا" آن را پیش بینی می کردند. نجاشی هم شبانه گریخت و به شام نزد معاویه رفت.

اقا! اصلاً بروید و ببینید چقدر افراد از حکومت علی (ع) گریختند.

آیا همه آنها "خدا انقلاب" بودند؟ آیا همه آنها "خدا اسلام" بودند؟ نه اینطور نبود. اشکال در ماهیت و شکل رفتار خود علی (ع) بود! بسیاری از آنها حاضر بودند برگردند و خدمت هم بکنند. اگر علی يك "عفو عمومی" می داد و بر گذشته ها صلوات می فرستاد همه چیز حل می شد. همه بر

می گشتند. دست بسته می آمدند و در "پازسازی" شرکت می کردند. حضور این افراد در دستگاه معاویه خود سند گویایی نسبت به نظام علی (ع) بود. بطور کاملاً طبیعی حکایت از "خفقان" موجود می کرد که افراد برای فرار از

"انصاف و هوشمندی در فهم جریانات کشور"

بقیه از صفحه اول

دیگر با توسل به اقتصاد "واردات" و حقانیت قابل شدن هملی برای "نقش شکم" در انقلاب و تاریخ، مشخصه‌های فصل سوم اند.

اینک فصل چهارمی، یک دور جدید کشمکش‌ها و بند و بست‌ها، در درون حاکمیت جمهوری آغاز شده است. پیشگفتار این فصل را خامنه‌ای در دیدار روز اول آذر خود با "گروه‌های مختلف از امت حزب الله" بیان داشت. او ضمن اینکه کسانی را که اقدامات سازنده و متین دولت را به زیر سوال می‌برند، به کمک به تبلیغات آمریکائی و استکباری متهم کرد، از آنها خواست که "در فهم جریانات کشور انصاف و هوشمندی به خرج دهند."

واقعا هم "جریانات کشور" پس از سه فصل مناسبات در شیب خمینی، به انصاف و هوشمندی نسبت به وزن کل حاکمیت در جامعه و نسبت به وزن یکدیگر در حاکمیت نیازمندند.

ظاهرا هوشمندی نسبت به جریانات کشور را مفسر کیهان در تفسیری از همان سخنان خامنه‌ای بروز داد. مفسر کیهان که نقطه‌یک مفسر نیست با تیتیر کردن این سخنان خامنه‌ای و اشاره به آنها می‌نویسد: "تبلیغات رسانه‌های استکباری و فزونی علیه ایران محوره‌های گوناگونی دارد... از جمله این محورها القای مودیانه این نکته است که دولت جدید و مسئولان کشور پس از ارتحال امام دست از خط و آرمان‌های امام خمینی برداشته و واقع‌گرایی و سازش با قرب را پیشه خود

پدیده "افسردگی" در میان مردم

بقیه از صفحه اول

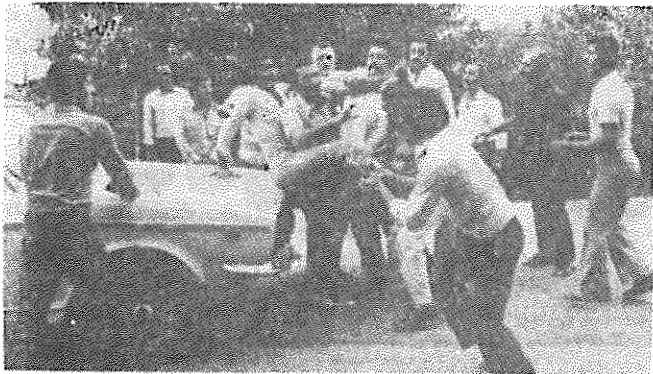
گوناگون در یک چیز مشترک بودند که عبارت بود از بالا رفتن درصد بیماران مبتلا به افسردگی در همه طیف‌های بررسی شده. دلایل مختلف در امتداد خود به یک نقطه تلاقی معین و مشخص منتهی می‌شود: شرایط سخت زندگی در جامعه و پی‌آمدهای جنگ و جو فشار فزاینده قابل تحمل در جامعه.

یکی از استادان دانشگاه علوم پزشکی که نتیجه تحقیق خود در رابطه با "رزمندگان" را ارائه می‌داد، خاطر نشان کرد، از ۱۰۰ نفر رزمنده که مورد ارزیابی میزان افسردگی قرار گرفته‌اند، ۵۰ نفر دچار اختلالات عصبی شده‌اند. وی اضافه کرد که انجام تحقیق حکایت از آن میکند که تلقی منفی رزمنده از جنگ با میزان شیوع افسردگی ارتباط معناداری دارد.

در مقاله دیگری به بررسی افسردگی در میان مهاجرین جنگی پرداخته شد و میزان و دلایل شیوع این بیماری مورد مذاکره قرار گرفت. سخنران دیگری با ارائه تحقیق

خود اظهار داشت که مسئله تامین اجتماعی از جمله شغل و درآمد نقش بسزائی در پیشگیری بیماری و میزان افسردگی دارد. مثلا میانگین افسردگی در پرستاران ۱۱/۷۴ است که گرایش این تشر اجتماعی به افسردگی را نشان می‌دهد. این گرایش با زیاد شدن سابقه کار افزایش و با افزایش درآمد خانواده کاهش می‌یابد.

برگزاری سمپوزیوم افسردگی و ارائه گزارشات نگران کننده در آن حکایت از وضعیت دردناکی دارد که گریبانگیر جامعه‌است. فشارهای گوناگون سیاسی، اجتماعی و اقتصادی علاوه بر آنکه زندگی را بر مردم ایران سخت و بی‌چشم‌انداز کرده، جامعه را بسوی خمودی و افسردگی کشانده است این وضعیت از جمله یا خود را بشکل بیماری‌های مختلف روانی بروز می‌دهد و یا اینکه باعث افول اخلاق اجتماعی و شکل‌گیری کجروی و انحرافات اخلاقی متعددی میگردد.



می‌داشت که تنها برای بندگان خاص خدا باز شده است...

اما با همه این تمهیدات نتوانست به شعار خود در سرنوشتی معاریه جامعه عمل ببوشد و بالاخره نیز مجبور شد "حکمت" و میانجی‌گری هیئت‌های صلح‌دوست را بپذیرد. این آن چیزی بود که هرگز نمی‌خواست و اگر کشمکش می‌کردند، به این نقطه نمی‌رسید. ولی وقتی زیر بار "حکمت" رفت... سانه اندیشان باز جو سازی کردند و در مقابلش ایستادند که یا علی (ع) این کار گناه بود و تو باید توبه نماشی!

اینبار نیز علی (ع) بدون توجه به عواقب کار! از یک کلام ساده (استغفرالله و اتوب الیه) خودداری کرد! چه که او همچنان معتقد بود همه حرف هایش صحیح است؛ و همین پافشاری بر مواضع بود که گروهی از "مقدسین" را بر آن داشت که یا علی (ع) را توبه دهند و یا با او بجنگند. و او را بکشند. و در سحرگاه نوزدهم ماه رمضان، در محراب عبادت به خاک و خروش کشیدند.

خاک پای وفاداران امیرالمؤمنین علی (ع)

سید حسن میردامادی رمضان ۱۴۰۹

آن به شام رفت بودند. چرا علی (ع) به این همه مسائل روشن چشم پوشیده بود؟ چرا به نسیب افراد دلسوز! توجه نمی‌کرد؟ چرا دشمن تراشی می‌نمود؟ حالا فرض کنیم آنها می‌آمدند و یک "زهرماری" نیز می‌خورند، ضررش به جسم خودشان بود. می‌شد ندیده گرفت و از کنار آن گذشت، ولی علی (ع) چنین نکرد. موشکافی کرد، پرونده سازی کرد، برخورد کرد. هم در زمان خودش نتوانست حکومت اسلامی را اداره کند هم تا سال‌های سال تاریخ نگاران ظاهرالصلاح بر فراز چوب‌های مساجد، او را آنچنان برای مردم تصویر کردند که "لعن" و "تفرین" او جز مستحبات مؤکدی بود که وقتی فردی "مقدس" در بین راه به دلیل مجله رسیدن به قافله، از این "فریضه" غافل شد و نمازش را بدون "لعن" بر او پایان داد با تأسف به خود گفت این نماز به دردخور نبود و مورد قبول خدا واقع نشد!

بگذریم، آنقدر مردم را در سرما و گرما و زمان کاشت و برداشت محصول از خانه و کاشانه خود بیرون آورد و به صحراهای بی آب و علف کشاند که دیگر خستگی در چهره مردم موج می‌زد و هرچه "دلسوزان عاقل" به او گفتند که مردم خسته شده‌اند، او بر تکلیف الهی خویش و مسیر بر مصیبت‌های در راه تکلیف، پای می‌نشورد و جهاد را در از درهای بهشت

پتیه از صفحه آخر

دانشمندان بخش علوم اجتماعی فرهنگستان علوم اتحاد شوروی که این مسایل را در چارچوب یک سمینار ویژه مورد بحث قرار داده‌اند، تهیه شده است. نشریه "کمونیست" با آرزوی بحثی پربار، مطالعه این مقاله را به خوانندگان پیشنهاد می‌کند.

سوسیالیسم و تمدن معاصر

به‌نامی گوناگون می‌توان در مورد آینده جامعه سوسیالیستی اندیشید و برنامه‌های رشد و تکامل آن را تنظیم نمود. اما میزان واقع‌گرایانه و مسئولانه بودن این تفکرات و پیش‌بینی‌ها بسته به آن است که آنها تا چه اندازه هم‌پیوندی‌ها و مناسبات واقعی جهان معاصر را در خود بازتاب می‌دهند.

اکنون دیگر بیش از هفت دهه است که جهان به دو سیستم اجتماعی تقسیم شده است. اما آیا این تقسیم به‌لحاظ تاریخی انجام شده، با موجودیت تمدن واحد بشری در تضاد است؟ بدیهی است که خیر. زیرا در همین آن که تفاوت‌های جدی سیستم‌ها، مناطق و ملیت‌ها پابرجا هستند، شاخص‌های جامعه متمدن جهانی یعنی رشد و ابستگی و ذی‌نفع بودن متقابل، تحکیم بیشتر همکاری متقابل سودمند و صلح، و انسانی‌تر شدن تمامی شئون حیات اجتماعی، هر چه آشکارتر نمایان می‌گردند و این خود یکی از نشانه‌های مهم دوران نوینی است که بشریت در مرز هزاره‌های دوم و سوم به آن گام می‌گذارد.

البته، در ابتدای دوران نوین روند جهانی تاریخی، دشوار است که مضمون آن را به‌طور جامع و مانع تعریف کنیم. با این وجود، خصایل و گرایش‌های اصلی این دوران که استمرار راستای اساسی انقلاب اجتماعی بشریت - یعنی همانا گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم - را با یک سلسله ویژگی‌های اصولاً نوین عصر تاریخی کنونی در خود تلفیق می‌کنند، با وضوح کافی نمودار گشته‌اند. از این رو، مضمون دوران علاوه بر جابه‌جایی قانونمند فراماسیون‌ها، عناصر زیر را نیز در بر می‌گیرد: نو سازی سوسیالیسم، آشکار شدن ظرفیت آن و مسابقه تاریخی‌اش با سرمایه‌داری در شرایط انقلاب علمی - فنی؛ تأیید این امر که سوسیالیسم چیزی بیش از هر سیستم اجتماعی - سیاسی دیگر برای انسان به ارمغان می‌آورد؛ تحولات ژرف اجتماعی - اقتصادی و سیاسی جهان در پیوند با مبارزه نیروهای ترقیخواه علیه استثمار و هرگونه اشکال بیگانگی اجتماعی و ستم ملی و بخاطر هادی کردن مناسبات بین‌المللی و تثبیت ارزش‌های هموم بشری و موازین اخلاقی در این مناسبات.

دوران نوین هجرت است از دوران مبارزه به خاطر بقا تمدن، زدایش هرگونه جنگ از حیات بشریت، و چاره‌جویی موثر برای حادثترین مسایل گلوبال، و بالاخره، هجرت است از دوران وابستگی متقابل و فزاینده جهان متضاد که پی‌درپی به سوی یکپارچگی هرچه بیشتر یعنی به سوی شرايطی در حرکت است که در آن هرگونه پیشرفت باید در متن منافع هموم بشری معنا پیدا کند، که همه کشورها و خلق‌ها ضمن اتکا به آزادی انتخاب سیاسی و اجتماعی خود و ضمن اتکا به همزیستی مسالمت‌آمیز به‌عنوان شالوده زندگی مشترک در کره ارض، باید به‌اتفاق در جستجوی معیارهای مشترک پیشرفت باشند. چنین درکی از جهان است که در مامیت امر

دستگاه مختصات آتی درک و توضیح جهان را تشکیل می‌دهد. می‌توان گفت که رشد فاجعه‌بار شکاف میان سیمای واقعی جهان و درک ما از آن، لااقل متوقف شده است. پذیرش تنوع و گوناگونی جهان و پذیرش پلورالیسم اشکال اجتماعی که ظرفیت قابل توجهی برای رشد و تکامل خود دارند، در کنار درک تقدم منافع هموم بشری، یکی از ارکان تفکر نوین سیاسی را تشکیل می‌دهد. این تفکر متوجه درک مبانی هموم تمدنی همکاری سیستم‌های اجتماعی - اقتصادی و حل مشترک مسایل مشترکی است که در جهت منافع هر یک از سیستم‌ها و مهم‌تر از همه، در جهت منافع کل بشریت به تلاش بیشتر و تشریح مساعی نیاز دارند.

هریک از سیستم‌های اجتماعی بر پایه قوانین خود، اما در چارچوب تمدنی واحد رشد و تکامل می‌یابند. همکاری و اشتراک مساعی به هیچ وجه رقابت و سبقت‌جویی سرمایه‌داری و سوسیالیسم، و تفاوت‌های به‌طور هینی موجود آنها را از میان نمی‌برد. سرمایه‌داری هلیرقم تغییرات چشمگیر در سیستم مناسبات اجتماعی خود، همچنان نظامی است مبتنی بر سلطه مالکیت خصوصی و تولید ارزش اضافی که هنوز هم خطرات فراوانی را متوجه جامعه جهانی می‌سازد.

ما اما در صدد هستیم تا از رویارویی مقابله‌جویانه دو سیستم، به مسابقه روآوریم. مسابقه بر سر جستجو و تکوین اشکالی از پیشرفت اجتماعی که به نحو کامل‌تری با منافع جامعه و انسان انطباق داشته باشد. ایقان مارکسیست‌ها به برتری‌های سازمان‌دهی سوسیالیستی جامعه نه مانع، بلکه برعکس، محرک همکاری گسترده و فعال دو سیستم است و تنها در شرایط این همکاری هم است که ارزش مقایسه‌ای راه‌حل‌های هملی پیشنهادی آنها که غالباً متمم و مکمل یکدیگر هستند، آشکار می‌شود.

هیچ تردیدی نیست که انزوا و درخودنرفورتن، سوسیالیسم را در بهترین حالت تحیف می‌سازد و در بدترین حالت موجب انحطاط او می‌شود. قصد ما از نوسازی سوسیالیسم نه ایجاد نوهی "ضدجهان" بلکه اعمار جامعه نوینی است که آن را نه تنها با اتکاب به نیروهای درونی سوسیالیسم - که هنوز هم به‌طور کامل آشکار نشده‌اند - بلکه همچنین با اتکا به تمامی دستاوردهای مترقی تمدن معاصر برپا خواهیم داشت.

سوسیالیسم به‌مثابه نظام اجتماعی نوین نه در بیگانگی، بلکه در همکاری با تمامی دیگر ساختارهای اجتماعی جهان معاصر است که می‌تواند شکل بگیرد، عمل نماید و مراحل مختلف بلوغ خود را پشت سرگذارد. این حقیقت ظاهراً ابتدایی در ایام ما از اهمیتی فوق‌العاده حیاتی برخوردار گشته است.

امروز دیگر بدیهی است که هرگونه پیشرفت اجتماعی در دوران ما از حل عظیم‌ترین مسایل گلوبال جهانی جدایی‌پذیر نیست و این خود در ماهیت امر به منزله معیاس همومی تکوین یکپارچگی جهان است. ویژگی دوران معاصر که تمدنی نوین را در خود می‌پرورد در آن است که وابستگی متقابل خصلتی کیفی متفاوت، یعنی به مراتب ژرف‌تر و به‌راستی سراسری کسب کرده است. و درست از همین جاست که باید تضادهای پویه جهانی را به شیوه‌ای جدید نگریست و آنها را همچون سیستمی گلوبال که تنوع و تاثیر متقابل اجزا متشکله آن را بیان

می‌کند، درک نمود.

در وهله نخست، صحبت بر سر تضادهای درونی جوامع جداگانه است که مکانیسم‌های حرکت خودپوی این جوامع را تعیین می‌کنند. اما تضادهای پیوند متقابل، تاثیر متقابل و مناسبات متقابل نیز اهمیت کمتری ندارند. خود طرح موضوع سیستم چنین تضادهایی نیز به خودی خود تصورات کلیشه‌ای از رشد و تکامل به اصطلاح موازی فراماسیون‌های اجتماعی - اقتصادی را درهم می‌شکند. امروز دیگر در تحلیل هر یک از فراماسیون‌ها نمی‌توان تاثیر متقابل معارض تاریخی را به حساب نیاورد. شرایط عام دوران، خود را چه در جامعه سرمایه‌داری و چه در جامعه سوسیالیستی نمودار می‌سازند. و همین تغییرات همقی بودند که موجبات پیدایش یک سلسله سئوالات اصولی را فراهم آوردند: آیا سرمایه‌داری می‌تواند بدون میلیتاریسم و بدون نواستعمار موجودیت داشته باشد، و آیا از طریق تاثیر بیرونی می‌توان خطرناک‌ترین مظاهر خودمحوری خشک طبقاتی سرشت امپریالیسم را مهار کرد؟ لیکن همین سطح کیفیت نوین وابستگی متقابل، و بنابر این، شدت فزاینده تاثیر متقابل سیستم‌های مختلف بود که زمینه همومی طرح خودنقادانه مسایل رشد و تکامل سوسیالیسم را از جانب کمونیست‌های شوروی فراهم آورد.

پس از پیروزی انقلاب اکثریت بسیاری از مارکسیست‌ها تصور می‌کردند که در آینده‌ای نسبتاً نزدیک پیروزی سراسری سوسیالیسم را شاهد خواهند بود. تاریخ راهی دیگر پیمود، راهی بفرنج‌تر و پرزیزگاز‌تر. خدمت تاریخی لنین در آن است که او گرایش همزیستی و همکاری درازمدت سیستم‌های اجتماعی غیرمتجانس را دید و مورد ارزیابی قرار داد. با الهام از چنین برخوردی بود که ولادیمیر ایلیچ با امتیازات خارجی موافقت کرد، از ضرورت همین گسترش مناسبات متقابل اقتصادی روسیه شوروی با کشورهای سرمایه‌داری سخن گفت، و تاکید کرد که این ضرورت از اراده و تمایلات هر طبقه یا حزبی نیرومندتر است. چنین نگرشی به واقعیت جهان پیرامون از بسیاری لحاظ به تدوین سیاست نوین اقتصادی نیز مساعدت نمود.

بعدها تصورات دیگری دست بالا پیدا کرد، تصوراتی که واقعیت جهان را بسیار ساده‌انگارانه بازتاب می‌دادند. جهان به‌طور مکانیکی به دو بخش تقسیم گردید، مناسبات متقابل سیستم‌های اجتماعی همچون رویارویی قطبی دنیاها، اردوگاه‌ها، و بازارهای مستقل و خودمختار تفسیر گردید. این نظرات با خصلت سراسری روابط اقتصاد جهانی، با وابستگی متقابل اقتصادی کشورها و باروند رشد و گسترش فرهنگ جهانی در تضاد قرار داشتند. تفکر نوین سیاسی طالب قلبه بر این نگرش‌های هامیانه است.

هرچه آشکارتر می‌شود که: سوسیالیسم معاصر تنها در دل جهان متنوع و روبرو یکپارچگی بیشتر و نه در مقابله با آن است که می‌تواند رشد و تکامل یابد. ورود تمام‌عیار نظام اجتماعی نوین در سیستم مناسبات بین‌المللی وجه مهمی از همان درک لنینی ایده‌آل سوسیالیستی است. از همین روست که تفکر نوین، تحکیم مبانی همبستگی و همگرایی در هر صدهای مادی و معنوی جهان معاصر را یکی از نیروهای محرکه اصلی جامعه سوسیالیستی رو به نوسازی و گذار آن به وضعیت کیفیت‌نوین می‌شناسد.

همچنین با احتساب همه جانبه گرایش‌های اساسی رشد و تکامل کل تمدن در مجموع خود، شکل می‌گیرد.

و اگر چه امروز هنوز تنها از خطوط کلی می‌توان سخن گفت و اگر چه ضروری است تا این خطوط به طور جدی مشخص گردند، با این وجود همین سطح از تبیین تئوریک سیمای نوین و در حال شکل‌گیری سوسیالیسم نیز اهمیت حیاتی دارد.

می‌توان گفت که در مجموع درک معینی از خصایل اساسی سوسیالیسم نو سازی شده دارد یا می‌گیرد. در گزارش‌های میخائیل گارباچف در کنفرانس نوزدهم ۱۹۸۹ به این امر پرداخته شده است. قبل از همه روشن است که سوسیالیسم نو سازی شده، جامعه انسان‌های کار و برای انسان‌های کار است که ایده‌آل آن را رشد آزادانه هر فرد به مثابه شرط رشد آزادانه همه تشکیل می‌دهد. جامعه‌ای است مبتنی بر اصول انسان‌گرایی، دموکراسی سوسیالیستی و عدالت اجتماعی و مبتنی بر توجیه اشکال مالکیت اجتماعی و خودتنظیمی حیات اقتصادی در کنار نقش هماهنگ‌کننده مرکز اقتصادی.

همچنین روشن است که سوسیالیسم نو سازی شده، جامعه فرهنگ و اخلاقیات متعالی است که مردم‌سالاری را در چارچوب دولت حقوقی سوسیالیستی و حقوق بشر را در شالوده بهترین سنن دموکراتیک شورایی و تجربه پویه دموکراتیک بشریت تأمین می‌نماید. وجه مشخصه مهم وضعیت کیفیتاً نوین سوسیالیسم عبارت است از برابری حقوقی واقعی تمامی اقوام و ملل که همه شرایط را برای رشد و تکامل همه جانبه آنها و برای هماهنگ‌سازی مناسب میان ملت‌ها در چارچوب فدراسیون شورایی فراهم می‌آورد. و بالاخره، نشانه جامعه‌ای است که امکانات گسترده‌ای برای ابراز هویت آزادانه شخصیت و بروز ابتکار و استعداد فراهم آورده و متحقق می‌سازد آن است که برای جهان پیرامون باز باشد و از تشریک مساهی در ایجاد مناسبات نوین بین‌المللی بر پایه انتخاب آزادانه، برابری حقوقی، امنیت و ارزش‌های هموم‌بشری استقبال نماید.

سوسیالیسم در بطن تاریخ جهانی و به مثابه تجسم و تداوم ایده‌آل‌هایی انسانی پدید آمد که بشریت فراهم آورده بود. ناهنجاری‌ها و رکود سوسیالیسم بر این ایده‌آل‌ها سایه افکند. تفکر نوین سیاسی که هسته تئوری و ایدئولوژی نو سازی انقلابی را تشکیل می‌دهد طالب احیا و بسط تکامل خلق ایده‌آل‌ها در ایام ماست.

سوسیالیسم تنها در همکاری با کل جهان و تنها با افزایش سهم خود-ضمن برابر حقوقی با دیگران- در رشد و تکامل تمدن جهانی و با فراگیری هر آنچه که در تجربه اجتماعی هموم بشری (در حیات سیاسی، اقتصادی و مهنوی) با ایده‌آل‌ها و ارزش‌های سوسیالیسم ناسازگار نیست، می‌تواند با تمام قوا رشد و تکامل پیدا کند.

برخلاف تصورات سنتی، نظام اقتصادی سوسیالیسم نو سازی شده نمی‌تواند تنها به مسایل مربوط به اشکال مالکیت بر وسایل تولید محدود باشد. در کنار مالکیت، این مسایل مربوط به حاکمیت اقتصادی و آزادی اقتصادی هستند که در آشکار کردن ماهیت روندهای اجتماعی نقش بیشتر بازی می‌کنند.

همان گونه که می‌دانیم، تراکم و تمرکز بیش از حد قدرت اقتصادی (از کنترل اطلاعات گرفته تا تحقق اجتماعی-اقتصادی تصمیماتی که به

مشترک تمامی نیروهای انقلابی و دموکراتیک در راه بازسازی سیستم روابط اقتصادی جهانی به منظور استقرار نظم نوین اقتصادی جهانی و امحای وابستگی نواستعماری.

انقلاب اجتماعی ایام ما به مثابه روندی جلوه‌گر می‌شود که چندین دهه به طول می‌انجامد. انقلاب بورژوازی نیز در طول یک دوران کامل تاریخی به انجام رسید. پس چرا انقلاب سوسیالیستی که ژرف‌ترین تحول را در خود شالوده هستی و آگاهی اجتماعی بشریت تحقق می‌بخشد و نظام هزاران ساله مناسبات مالکیت خصوصی را ملغی می‌سازد، باید انقلابی کوتاه مدت باشد؟ اگر این انقلاب بقرن‌تر و متضادتر است، پس آیا محتمل‌تر نیست که بسیار هم طولانی باشد؟ آیا آغاز این گذار تاریخی طولانی و چندبعدی را به جای مدل کل روند نگرفته‌ایم؟

هر چه آشکارتر می‌شود که حرکت جامعه بشری به سوی سوسیالیسم در مجموعه انقلابات سوسیالیستی و در ساختمان جامعه نوین در آن کشورهایی که این انقلابات در آن هارخ داده‌اند، خلاصه نمی‌شود. در این حرکت که روندی جهانی به شمار می‌رود، پیشرفته‌ترین- به لحاظ اجتماعی-کشورهای سرمایه‌داری در یک سلسله پارامترها به "مدل" نضج یافته سوسیالیسم "نزدیک‌تر هستند تا برخی جوامع سوسیالیستی. از این نقطه نظر، انقلاب اجتماعی عبارت از استحاله بسیار بفرنج تمدن بشری بر پایه میانی انسان دوستانه‌ای است که بشارت‌گر آن جامعه مولود داکتیر و روندی انقلابی هم پیوند و ملهم از آن است.

در این حرکت بالنده تمدن، معیار بنیادی پیشرفت اجتماعی را قبل از هر چیز انسانی شدن تاریخ، یعنی تبدیل انسان به هدف رشد و تکامل تاریخی تشکیل می‌دهد. و شاید همین انسانی شدن تاریخ است که امروز مضمون اجتماعی اصلی حرکت فیرخطی جهان متقابلاً به هم وابسته به سوی یکپارچگی بیشتر را رقم می‌زند و این حرکت نیز به نوبه خود یکی از عناصر تعیین کننده مضمون روند دیگری است که به لحاظ تاریخی پر دامنه‌تر است و آن هم عبارت است از روند شکل‌گیری فرم‌اسیون اجتماعی کمونیسم.

ویژگی دوران معاصر همچنین در آن است که معیارهای پیشرفت اجتماعی مولود سوسیالیسم که با نو سازی سوسیالیسم رشد و تکامل بیشتر می‌یابند، ابعادی هموم بشری و هموم تمدنی کسب می‌کنند. کارل مارکس شخصیت آزاد را که بر رشد و تکامل همومی افراد و بر تبدیل بهره‌دهی جمعی و اجتماعی آنها به ثروت اجتماعی‌شان استوار است، نشانه فرم‌اسیونی می‌دانست که به جانشینی جامعه آنتاگونیستی می‌آید. (کارل مارکس و فردریک انگلس، جلد ۴، بخش ۱، صفحه ۱۰۱). و همین امر است که امروز در شمار معیارها و مولفه‌های همومی رشد متکامل اجتماعی جهانی قرار می‌گیرد.

این امر در همین حال دید ما را در مورد معیارهای سوسیالیستی بودن و در مورد مختصات وضعیت کیفیتاً نوین جامعه سوسیالیستی و سعیت می‌بخشد. مواضع مادر این زمینه نه تنها بر پایه تعمیم پراتیک سوسیالیسم واقعا موجود و تجربه جنبش بین‌المللی کمونیستی، کارگری و دموکراتیک در مبارزه برای تحقق ارزش‌های سوسیالیستی، بلکه

مسایل رشد و تکامل سوسیالیسم- یعنی شقوق، مراحل، صفات متمایز و چشم‌اندازهای آن- را بدون مقایسه با سرمایه‌داری که سلف تاریخی او به شمار می‌رود، نمی‌توان با همق لازم درک کرد. تغییرات طوفانی و پر دامنه سیستم سرمایه‌داری در سال‌های ۷۰ و ۸۰ طلب می‌کنند تا تحولات عظیم ساختاری در مکانیسم خودپویی و نفی خود سیستم سرمایه‌داری را در سطحی جدید درک نماییم. امروز روشن است که سرمایه‌داری دولتی- انحصاری پیشرفته دیگر مدت‌هاست که یک تغییر شکل ساده سرمایه‌داری رقابت آزاد نبوده، بلکه شکل کیفیتاً متفاوتی از شیوه تولید سرمایه‌داری است که امکانات رشد و تکامل نیروهای مولده را در خود حفظ می‌کند.

بسیاری چیزها حکایت از آن دارند که سرمایه‌داری به مرحله‌ای بفرنج‌تر از تکامل تاریخی خود و به نوبه "دوران گذار" وارد شده است که سرشار است از تحولات کیفی عظیمی که به لحاظ ابعاد و نتایج خود (اگر اهمیت بیشتر نداشته باشد) با تغییرات آغازین قابل مقایسه‌اند. از این رو، موضوع مرحله جدید رشد و تکامل سرمایه‌داری که از جانب تعدادی از دانشمندان شوروی به عنوان یک فرضیه طرح شده است، موجه می‌نماید. آنچه که وجوه مشخصه این مرحله را رقم می‌زند عبارت است از مرحله نوین و رو به انکشاف انقلاب علمی-فنی که در جریان آن تمامی عناصر نیروهای مولده اجتماعی و از جمله تقسیم کار نو سازی می‌شوند؛ گذار در شرف پایان به سوی نوع انسانی‌سید (منبع اندوز) باز تولید؛ تلفیق متضاد بازسازی ساختاری اقتصاد با انباشت تضادهایی که در چارچوب یک بحران ادواری قابل حل نیستند. و آنچه که نشانه‌های این تغییرات را در خود بازتاب می‌دهد عبارت است از سطح جدید بین‌المللی شدن تولید و فراملی شدن اقتصاد سرمایه‌داری در مجموع؛ انعطاف‌پذیری مناسب تولید ناشی از تغییرات ساختار مالکیت؛ بازسازی مکانیسم اقتصادی در جریان دستیابی به معیار نوین تلفیق عوامل بازار و تنظیم متمرکز و در جریان باز توزیع اولویت‌های سیاست اقتصادی و اجتماعی؛ دگرگونی‌های چشمگیر مکانیسم تحقق حاکمیت سیاسی بورژوازی.

سرمایه‌داری آن ساخت اجتماعی است که سوسیالیسم ضمن تثبیت هویت خود به مثابه یک سیستم اجتماعی، همواره با آن مقایسه می‌گردد. در همین حال در چارچوب سرمایه‌داری فاضری از مناسبات اجتماعی نضج می‌گیرد که می‌توانند در جامعه سوسیالیستی مورد استفاده قرار گرفته و پذیرفته شوند.

در مجموع، امروز گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم نه همچون حرکتی مستقیم الخط و از پایین به بالا، بلکه همچون دوران تاریخی دراز مدتی به نظر می‌رسد که در طول آن تحولاتی با خصلت‌های گوناگون به وقوع می‌پیوندد. این گذار نه "کشانده شدن" ساده کشورها از یک سیستم اجتماعی به سیستم دیگر، بلکه روندی هم پیوند و چندبعدی است که در آن گرایشاتی گوناگون به طور تنگاتنگ در هم می‌تنند؛ هم رفح ارگانیک سرمایه‌داری بر پایه جدیدترین تکنولوژی و اقتصادی که خود فراهم آورده است، هم نو سازی ژرف و انقلابی خود سوسیالیسم در انطباق با الزامات انقلاب علمی-فنی، هم اشتراک مساهی سیستم‌های اجتماعی در حل مسایل گلوبال جهان معاصر، هم مبارزه

جانب جامعه و ارگان های مرکزی تنظیم کننده آن تبیین می شوند. آزادی تولیدکننده نیز به معنای آزادی اوست در انتخاب اشکال سازمانی و اداری، در انتخاب شرکا و منابع تامین مالی، در ورود به این یا آن سازمان های اقتصادی و ورود به هر بازار و از جمله بازار خارجی و بالاخره آزادی اش در برنامه ریزی تولیدی و سرمایه گذاری.

لیکن نتیجه مطلق کردن آزادی اقتصادی تولیدکنندگان و در تقابل قرار دادن آن با آزادی مصرف کنندگان هبارت خواهد بود از زورگویی انحصاری، خودمحموری اداری و گروهی، تقلب در کیفیت کالاها، خطرات اکولوژیک و غیره. از این رو آزادی مصرف کننده نهایی نیز از اهمیت کمتری برخوردار نیست. و آنچه برای تامین این آزادی ضروری است هبارت است از امکان گسترده انتخاب کالاها و خدمات، آن هم بدون صف، بدون محدودیت و بدون تقلای فرساینده و طولانی، تضمین کیفیت کالاها، مصرفی، تحقق اصل "همیشه حق با مصرف کننده است" و وجود التراناتیوهای مصرفی.

انسانی که در رفتار اقتصادی خود آزاد باشد خوداستاندارد زندگی خویش را انتخاب می کند؛ یا می خواهد بهتر و پرکیفیت تر مصرف کند، که در این صورت بیشتر و شدیدتر کار می کند، و یا حاضر است مصرف خود را محدود کند تا وقت فراغت بیشتر داشته و یا با شدت کمتری کار کند. هویت یابی انسان در هستی اقتصادی مضمّن اشکال گوناگون رابطه او با جامعه و اعضای جامعه است. در همین حال موضع فعال-و نه موضع منفعل و طفیلی گرایانه، او را قریحه و ابتکارش رقم می زند. منوعیت انگیزه های کار فرمایی و بخصوص فعالیت کار فرمایانه، شاید زیان بارترین و بازدارنده ترین اصل سیستم فرماندهی-توزیعی بوده است. از همین رو، آگاهی متعارف تمایل دارد تا عناصر موجود قابل پیش بینی فرهنگ کار فرمایی را نغی نماید. و این در حالی است که سوسیالیسم به مثابه نظامی انسانی تر و بری از استثمار که نه تنها به منافع جامعه، بلکه به منافع هر فرد جداگانه نیز توجه دارد موظف است تا احتمالاً بیش از سرمایه داری به ابتکار، قریحه و آفرینندگی میدان دهد. برای بروز این ابتکارات در اقتصاد سوسیالیستی نیز باید هر عضو جامعه از امکان تجمع آزادانه به منظور فعالیت مشترک اقتصادی برخوردار گردد.

تضمین حاکمیت اقتصادی خلق و آزادی اقتصادی انسان به گونه ای تنگاتنگ با سطح و میزان شریک های اداره امور اقتصاد پیوند دارد. اما هدف اقتصادگردانی سوسیالیستی را سمت گیری در جهت رشد خطی و کمی تشکیل نمی دهد، بخصوص که این سمت گیری ممکن است به سوی گزارش بازی، جعل اسناد، اقتصاد پریخت و پاش، خطرات اکولوژیک و غیره میل کرده و با نیازهای واقعی جامعه مستقیم تضاد قرار گیرد. از این رو سوسیالیسم نوسازی شده باید بر تراز نوینی از رشد اقتصادی متمرکز گردد.

در شرایط حجم ثابت یا حتی رو به کاهش مصرف منابع اولیه تولید، برآورده ساختن هر چه بیشتر نیازهای مادی و معنوی مستلزم گذار به بازتولید اجتماعی منبع اندوز و مستلزم اقتصاد پویایی است که نسبت به نوآوری های علمی-فنی و تغییر اولویت های مصرفی سریعاً واکنش نشان داده و برای بازسازی های پی در پی ساختاری آمادگی

مالکیت را بیشتر تکنولوژی، دانش، ایده، و اطلاعات تشکیل می دهند تا وسایل مادیت یافته تولید. و بالاخره در دوران معاصر، تصاحب مطلق کاهش یافته و تصاحب جزئی و ناکامل دست بالا پیدا می کند؛ عوامل تملک، توزیع و استفاده منقسم می شوند. و این یا آن وجوه حقوق و اختیارات صاحب به نهادهای مختلف اجتماعی واگذار می گردد.

پلورالیسم اشکال مالکیت نیز باید باین تنوع هینی روندهای اجتماعی شدن انطباق داشته باشد. در همین حال، گرایش اجتماعی شدن به آنجا می انجامد که همانا یک عامل فردی یا جمعی در چند نوع مناسبات وارد می شود و با چند شکل مالکیت پیوند می خورد. و مرزهای دقیق پیشین چه در رابطه با عامل و چه در رابطه با موضوع اشکال گوناگون مالکیت، محو می شوند. در این رابطه، مساله سوسیالیستی دانستن پیشاپیش این یا آن شکل مالکیت (خواه ملی شده و خواه فردی) موضوعی بحث انگیز می نماید. از این رو معیار قابل اتکاتر را می تواند کارایی این اشکال در تحقق آماج اساسی سوسیالیسم و همچنین شمول آنها در سیستم اجتماعی شدن سوسیالیستی به دست دهد (آماج اساسی سوسیالیسم از دیدگاه لنین هبارت است از دستیابی به رفاه کامل و رشد آزادانه و هماهنگ شخصیت، سیستم اجتماعی شدن سوسیالیستی نیز همان تقسیم و تعاون کار زنده و مادیت یافته و اطلاعات است.) و بدیهی است ضرورتی ندارد تا "فهرستی" صوری از اشکال مجاز مالکیت در سوسیالیسم تهیه شود، به شرط آنکه این اشکال با بیگانگی کارکنان همراه نباشند. تنها یادآور می شویم که آینده از آن اشکال مختلطی است که مبنای مالکیت جمعی، دولتی و سهامی را در خود تلفیق می کنند و امکان می دهند تا ضمن مسئولیت اقتصادی در قبال شریک های تولید، انگیزش اقتصادی زحماتشان و ابتکار و قریحه آنان هر چه کامل تر تبارز یابد.

دیالکتیک مدرنیزاسیون نظام اقتصادی سوسیالیسم اقتضا می کند تا حاکمیت اقتصادی خلق با آزادی اقتصادی فرد و کلکتیو تلفیق شود. این آزادی را در وهله اول، دینامیک آزادانه کار و از انحصار خارج کردن بازار کار تامین می نماید. به این منظور ضروری است تا وابستگی کارکنان به محیط اداری و اجتماعی و نیز اشکال گوناگون محدودیت تحرک نیروی کار، یعنی وابسته شدن اقتصادی و فیر اقتصادی کارکنان به محل های معین جایابی کارشان از بین برود و صلبیت ایستایی سیستم سازماندهی و پرداخت کار در اقتصاد ملی برطرف گردد. کار "بر حسب استعداد" که وجه مشخصه سوسیالیسم را تشکیل می دهد تحقق پذیر نخواهد بود، هر آینه هر یک از کارکنان امکان آن را نداشته باشند تا خود محل و شکل جایابی کار خود را انتخاب نمایند.

در شرایط انحصاری بودن پیمان کاران، در شرایط زورگویی دولت که خیلی وقت ها صلاح دید اقتصادی را تحت الشعاع قریبه های سیاسی-ایدئولوژیک آن قرار می دهد، در شرایط کمیابی محصولات در بازار و بالاخره در شرایط سیستم مالی بیمار، آزادی اقتصادی انسان تحقق پذیر نیست. راهنای طبیعی جامعه سوسیالیستی همان منافع فرد زحمتکش و مصرف کننده است. و این منافع یا در وضع بازار (اگر این منافع روزمره باشد) و یا در اولویت های درآمدی بازتاب می یابد که از

شیوه های خودکامانه اتخاذ می شود) در شرایط سیستم فرماندهی-توزیعی موجب بیگانگی زحمتکشان چه از مالکیت و چه از حاکمیت گردید. به همین جهت است که نوسازی نظام اقتصادی سوسیالیسم با تمرکززدایی قدرت اقتصادی، با پلورالیسم تمامی اشکال اقتصادی (و نه تنها اشکال مالکیت)، و با ایجاد بافت مترامی از رابطه های انقی اقتصادی توضیح داده می شود که بدون آنها اجتماعی کردن واقعی تولید امکان پذیر نیست. سیمای نوین ضرورتاً، هم حاکمیت اقتصادی خلق و هم آزادی اقتصادی انسان را ایجاد می کند.

آنچه که حاکمیت اقتصادی خلق را رقم می زند هبارت است از: رفع بیگانگی خلق از وسایل و نتایج تولید، گسترش تنوع اشکال مالکیت اجتماعی، رفع انحصار و تمرکز بیش از حد در تصمیم گیری های اقتصادی، گسترش اشکال گوناگون کار فرمایی، ابتکار اقتصادی زحمتکشان، و نهادهای متنوع و شریک مرکز فعالیت اقتصادی. این همه پایه های به دست می دهد برای حل تضاد میان اولویت های اجتماعی و شریک های اداره امور اقتصادی.

یکی از تجلیات آزادی تاریخی که در دوران معاصر در برابر سیستم های اجتماعی قرار گرفته است هبارت است از رشد توقعات و دماوی اجتماعی مردم. این امر در شرایط انقلاب علمی-فنی که ارزش نیروی کار را به طور هینی بالا می برد و در شرایط فضای باز اطلاعاتی که به انسان شوری امکان می دهد با استانداردهای امروزین مصرف آشنا شود کاملاً قابل درک است. اما هنوز در کشور ما در زمینه بهره دهنی کار و شریک های اقتصادی، رشدی متناظر با این "انقلاب نیازها" به چشم نمی خورد. از این رو این وظیفه هر چه مبرم تر می نماید که از پاترنالیسم دولتی و روی دیگر آن-انگیزش طفیلی پرور توزیعی در جامعه- دوری جست و مکانیسم های سازمانی، اقتصادی و اجتماعی و حقوقی یک اقتصاد بسیار شریک بخش و مبتنی بر صرفه جویی منابع را ایجاد نماییم.

بسیاری از این مکانیسم ها در پراکتیک جهانی به خوبی ساخته و پرداخته شده اند و پایه نهادی فرهنگ اقتصاد رقابتی-بازاری را تشکیل می دهند. عناصری از این فرهنگ اقتصاد می توانند به طور کامل در سیستم اقتصادی سوسیالیسم به کار گرفته شوند که از آن جمله اند: بازار کالا، سرمایه گذاری، اسناد بهادار، و طرح های علمی، سیستم اعتبار بانکی و بازرگانی، تعدد مراکز سرمایه گذاری، تلفیق موسسات بزرگ، متوسط و خرد و غیره.

پس در این صورت ویژگی سیستم اقتصادی سوسیالیسم در چیست؟ قبل از همه در مناسبات اجتماعی خاص این نظام که به هیچ وجه در مناسبات مالکیت خلاصه نمی شود، و بگذریم که خود این مناسبات هم امروزه به مراتب فنی تر، متنوع تر و بفرنج تر از آن است که در قرن ۱۹ و حتی در نیمه اول قرن ۲۰ تصور می شد. از یک سو، تکان های اجتماعی-اقتصادی قرن حاضر موجب استحاله عامل مالکیت گردیده است و وظایف او را هملا گروه ها و اقشار متنوع اجتماعی، حرفه ای، شغلی، سنی، ملی، منطقه ای و غیره ای انجام می دهند که منافعشان به طور بفرنج در هم بافته شده است. از سوی دیگر، سیستم اقتصاد ملی به شدت بفرنج گشته و خود موضوع مالکیت به طور بنیادی تغییر کرده است.

در دوران معاصر و به گونه ای فزاینده، موضوع

رئیس جمهور جدید لبنان انتخاب شد

به دنبال قتل رنه معاود، الیاس حراوی، به جانشینی وی برگزیده شد. وی دو روز پس از قتل رنه معاود، توسط ۴۷ تن از ۷۲ نماینده پارلمان که هنوز زنده اند! انتخاب گردید. حراوی اعلام کرد رومی را که معاود آغاز کرده ادامه خواهد داد. وی هشت ساعت پس از انتخاب خود سلیم الحص را به عنوان نخست وزیر معرفی کرد. ولید جنبلاط و نبیه بری نیز عضو کابینه جدید هستند. میشل هون، که بر بیروت شرقی و مناطق مسیحی نشین اطراف آن حکومت می کند، همانطور که انتظار می رفت از به رسمیت شناختن رئیس جمهور جدید نیز خودداری ورزید. وی طی اعلامیه ای اعلام کرد کابینه هون تنها حکومت قانونی لبنان می باشد. میشل هون از ماه سپتامبر ۱۹۸۸ مقرر سیاسی نظامی خود را در بعدا بنا کرده است. در آن زمان پارلمان لبنان موفق نشده بود جانشینی برای امین جمیل انتخاب کند. جمیل در آخرین اقدام خود به عنوان رئیس جمهور، میشل هون را به ریاست یک حکومت موقت منصوب کرد، اما سلیم الحص، نخست وزیر وقت از به رسمیت شناختن این حکومت خودداری

ورزید. بنابراین دو دولت در بیروت پدید آمد. پس از برنامه صلح اتحادیه هرب در ماه اکتبر امسال رنه معاود به ریاست جمهوری انتخاب شد. پس از قتل او الیاس حراوی به این مقام برگزیده شد. هون نه انتخاب معاود را به رسمیت شناخت و نه انتخاب حراوی را به رسمیت می شناسد. حراوی در روز سه شنبه گذشته ژنرال هون را از مقام خود به عنوان فرمانده نیروهای مسلح خلع کرد. به جای وی سرهنگ لاهود به این مقام برگزیده شد. اکنون قوای ۳۰۰۰۰ نفره ارتش لبنان منشعب شده است. ۱۵۰۰۰ نفر تحت نظارت میشل هون هستند. باقی نیروها در دست رئیس جمهور جدید و فرمانده قوای مسلح وی، سرهنگ لاهود، متمرکزند. پرزیدنت حراوی اعلام کرده که خواهان صلح در یک لبنان واحد است. ناظران در بیروت معتقدند که در صورت امتناع هون از پذیرش سیادت حکومت جدید، امکان اینکه الیاس حراوی به کمک نیروهای سوری به مواضع هون در بعدا حمله کند تا کاخ ریاست جمهوری را که در آنجا مستقر است از چنگ وی درآورد، منتفی نیست.

موفقیت نیروهای چپ در برزیل

۸۲ میلیون رای دهنده برزیل سیمای کشور خود را تغییر دادند. در اولین مرحله یک انتخابات تاریخی ایثاسیولولا رهبر اتحادیه کارگری، پس از فرناندو کولور، کاندیدای نیروهای دست راستی، بیشترین آرا را به خود اختصاص داد. به این ترتیب رئیس جمهور جدید در روز ۱۷ دسامبر از میان این دو نفر انتخاب خواهد شد.

بر پرچم ملی سبز-زرد-آبی رنگ برزیل کلمات نظم و پیشرفت نقش بسته است. در پنجمین کشور بزرگ جهان با ۱۴۰ میلیون سکنه - تاکنون همه چیز، به جز نظم و پیشرفت وجود داشته است. تورم از مرز ۱۰۰۰ درصد در سال گذشته است. حداقل حقوق ماهانه حدود ۳۵ دلار است. یک درصد مردم ۶۰ درصد ثروت ها را در تصاحب خود دارند. در حالی که ۳۰ میلیون کودک بی پناه و بی خانمان در خیابان ها زندگی می کنند. آخرین انتخابات واقعی در سال ۱۹۶۰ صورت گرفت و از سال ۱۹۶۴ به این سو ارتش حکومت می کند. پیشرفت

برای ۷۰ میلیون برزیلی که در زیر خط فقر زندگی می کنند یک حرف کاملاً توخالی است.

موفقیت نسبی فرناندو کولور دست راستی نباید کسی را متعجب کند. در پشت او شبکه انحصاری تلویزیون "رده گلوبو" قرار داشت. برعکس تعجب آور است که وی بیش از ۲۷ درصد نیاورد. بریزولا، کاندیدای چپ های معتدل، آرا خود را در جنوب، جایی که مردم رفاه نسبی دارند، بدست آورد. اما او در شمال عملاً آرای بی بدست نیاورد. همین امر پیروزی لولا را تعیین کرد. کارگران صنعتی و روشنفکران انقلابی به لولا رای دادند. پشت سر لولا، حزب کارگر و کلیسای متری برزیل ایستاده است. در منطقه شمال لولا به مثابه کاندیدای ائتلاف حزب کارگر، حزب کمونیست و حزب سوسیالیست بیشترین آرا را به خود اختصاص داد. ارتشیان که اینک پس از ۲۵ سال حکومت و ویرانه کردن کشور کنار می روند، با آخرین مهره خود پرزیدنت خوزه سارنی بازندگان اصلی انتخابات بودند.

داشته باشد.

ظرفی شده انسان دوستانه سوسیالیسم نوسازی شده از بسیاری لحاظ به خصلت همکاری تمدن و طبیعت، یعنی اقتصاد و اکولوژی وابسته است. ایجاد سیستم هماهنگ اقتصادی-اکولوژیک شرط لازم تامین چشم انداز تاریخی سوسیالیسم به شمار می رود. و جالب توجه است که در حال حاضر دانشمندان سوسیال-دموکرات مسلک قریب روی ایده های "سوسیالیسم اکولوژیک" و "سوسیالیسم با چهره اکولوژیک" کار می کنند.

گذار به اقتصادی با سمت گیری اجتماعی، مصرفی و اکولوژیک نیازمند بازنگری نقش و مقام مرکز و مناسبات آن با مناطق پیرامونی است (و آن هم نه تنها به لحاظ جغرافیایی، بلکه همچنین به لحاظ اجتماعی، حرفه ای و فیره) مساله بر سر آن است که در سیستم موجود، نیروی مرکز در ماهیت امر به جنگ "تطلب های" اداری افتاده است. از این روست که نه تنها به تمرکززدایی پیگیری در تصمیم گیری اجتماعی-اقتصادی نیازمندیم، بلکه باید از چندمرکزی اداری-بوروکراتیک به سوی چندمرکزی جامعه مدنی گذار کنیم و تصمیم گیری های مربوط به سرمایه گذاری را به بانک های سرمایه گذار، تدوین سیاست هلمی- فنی را به بنیادهای پژوهشی و حل و فصل مسایل اجتماعی را به مقامات محلی واگذاریم. همه این ها تجلی روندهای هیئتی بفرنج شدن سیستم اجتماعی-

اقتصادی، پلورالیسم اقتصادی، و دموکراتیزاسیون می باشند. در همین حال به موازات این تنوع، روندهای همگرا نیز انکشاف می یابند، چرا که وابستگی متقابل چه در میان حلقه های اقتصاد و چه در میان وظایفی که باید انجام شوند بیشتر می شود. از این رو مفهوم "مرکز نیرومند" در متن برداشت نوسازی شده از سوسیالیسم وارد می شود. البته با این تدقیق که اولاً، بیشتر نه مرکز، که "مراکز نیرومند" مورد نظر است (مراکز مالی، اعتباری، اقتصاد خارجی، پژوهشی و فیره) ثانیاً دایره اختیارات این مراکز صریحاً تفکیک شده است، و ثالثاً شیوه تصمیم گیری دموکراتیک است و جامعه بر اجرای این تصمیمات کنترل دارد.

اقتصاد (و نه تنها مالکیت) دولتی باید به میزان هر چه بیشتری به اقتصاد اجتماعی یعنی به اقتصاد شهروندان تبدیل شود. چه به لحاظ اهداف، اولویت ها و شیوه های تصمیم گیری و چه به لحاظ کنترل و مسئولیت. مکانیسم عمل چنین اقتصادی را بازار قابل تنظیم تشکیل می دهد و این بازار همواره دار آن است که سمت گیری در جهت مصرف کننده، صرفه جویی منابع، جایابی، شریخش کار اجتماعی، فرهنگ والا و بالاخره انصاف و پویایی اداره امور اقتصادی را تامین نماید. تنظیم بازار، پیش بینی تحولات آن، سمت گیری اش در جهت اولویت هایی که جامعه برای رشد تعیین می کند و بالاخره رفع به موقع و

از آن بالاتر، پیش گیری موارد عدم توازن، آن اشکالی هستند که می توانند حرکت با برنامه را به طور مقتضی در شرایط معاصر تحقق بخشند. به یاد آوریم که لنین اقتصاد با برنامه را اقتصادی می دانست که توازن آن همواره و آگاهانه قابل تامین باشد. شروط لازم واقعی بودن تنظیم عبارتند از سالم سازی امور مالی، مهار تورم، تامین ثبات روبل، و حل مسایل مربوط به موسسات ضررده و کم سود.

و البته، چشم اندازهای دراز مدت گسترش مناسبات بازاری بستگی دارد به گذار اصولی از اقتصاد بسته به اقتصادی باز که در مدار اقتصاد جهانی قرار گرفته باشد. الزامات سنگین و الگوهای رفیع بازار جهانی امر می نیرومند خواهند بود برای ارتقا ظرفیت رقابت تولیدکنندگان شوروی، برای تحرک بخشیدن به مبانی رقابت، و برای سمت گیری در جهت پیشرفت هلمی- فنی امروز و فردا. اقتصاد خارجی باز قادر است تا هم شیوه اقتصادگردانی تولیدکنندگان و هم سبک زندگی مردم شوروی را به طور بنیادی دگرگون سازد. در همین حال روشن است که دوره تطابق، دشواری های گریزناپذیر خود را دارد. اما گسترش امکان انتخاب، میزان آزادی اقتصادی و تحرک یافتن حاملین اقتصادی، این ضایعات را تا اندازه زیادی جبران می کنند.

(ادامه دارد)

درباره سیمای نوین سوسیالیسم

از نشریه "کمونیست" شماره ۱۳ سپتامبر ۱۹۸۹

والا ترین معیارهای دموکراتیک و انسانی دوران معاصر انطباق دارد. این کار توسط رهبری حزب کمونیست آغاز شده و در نوزدهمین کنفرانس سراسری حزب و در پلنوم های کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ادامه یافته است.

مقاله حاضر مدهی ترسیم جزئی به جزیه سیمای جامعه نوین نبوده، بلکه تنها احکامی را که قبلاً طرح شده است تعمیم می دهد و جمع بندی می کند و وجوه جدیدی از مساله را که امروز در صدر قرار گرفته اند، مورد توجه قرار می دهد. این هم تنها آغاز بحث و مروری بر نظرات موجود است. این مقاله توسط هیات تحریریه نشریه "کمونیست" و در تماس با

برداشت نسبت به جامعه سوسیالیستی نو سازی شده که ما با کولباری فنی از هفتاد سال تجربه آموزنده مشغول ساختمان آن هستیم، احتمالاً در پژوهش های تئوریک امروز ما و در فکر و ذکرهای همه شعروندان ما نکته مرکزی را تشکیل می دهد و نیروی فکری تمام جامعه را به خود مصروف می دارد. خصایل سیمای نوین سوسیالیسم که ایده های مارکس و لنین، تجربه نخستین سال های حکومت شوروی و اندوخته های دوستان ما در کشورهای برادر، و بالاخره ارزش های هموم بشری و اصول تفکر نوین سیاسی را در خود تلفیق می کند، به تدریج به صورت سیستم معینی از نظرات و به صورت برداشتی تئوریک از سوسیالیسم شکل می گیرد. برداشتی که با

بقیه در صفحه ۸

Schließt auch, inhaltlich
am 40. Dezembers
der internationale Tag der
Menschenrechte im Iran
gegen die MENSCHENRECHTSVERLETZUNGEN
im IRAN der Menschenkette an!

بناست با مبارزندگان حقوق بشر
بر زنجیر انسانی در اعتراض بر کدال
شکل زنجیر
حقوق بشر در ایران بریزید!



- ۱- کتیسر اولهول چکلی حقوق بشر
- ۲- کتیسر اولهول چکلی حقوق بشر
- ۳- کتیسر اولهول چکلی حقوق بشر
- ۴- کتیسر اولهول چکلی حقوق بشر
- ۵- کتیسر اولهول چکلی حقوق بشر
- ۶- کتیسر اولهول چکلی حقوق بشر
- ۷- کتیسر اولهول چکلی حقوق بشر
- ۸- کتیسر اولهول چکلی حقوق بشر
- ۹- کتیسر اولهول چکلی حقوق بشر
- ۱۰- کتیسر اولهول چکلی حقوق بشر

اعلامیه فدائیان خلق ایران (اکثریت) - آلمان فدرال در حمایت از تظاهرات بمناسبت روز جهانی حقوق بشر

دهم دسامبر چهل و یکمین سالگرد تصویب اعلامیه سازمان ملل در مورد حقوق بشر است. بدین مناسبت جمعی از سازمان ها و انجمن های دموکراتیک ایرانیان مقیم آلمان فدرال دعوت به برگزاری تظاهراتی در بن در روز نهم دسامبر کرده اند. ما ضمن حمایت از این تظاهرات همه هموطنان آزادیخواه خود را فرامی خوانیم به منظور افشای ستم هولناکی که بر مردم ایران می رود، در تظاهرات شرکت کنند.

جلب توجه افکار همومی به وضعیت حقوق بشر در میهن ما امسال به ویژه از آن رو حائز اهمیت است که تحولات اخیر اروپا تا حدی مسائل جهان سوم و به ویژه نقض ابتدایی ترین حقوق انسان ها توسط حکومت هایی مانند رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را تحت الشعاع قرار داده است. ما باید در روز جهانی حقوق بشر فریاد بر آوریم که تا وقتی صدها میلیون انسان مانند مردم ما از حق زندگی شرافتمندانه و آسوده محرومند، هیچ مناسبتی برای جشن گرفتن در روز حقوق بشر وجود ندارد؛ بلکه این روز باید روز آگاهی از مسئولیتی باشد که بر دوش همه جهانیان در قبال حقوق بشر در سراسر جهان سنگینی می کند. در حالی که برای مردم اروپا آزادی مسافرت تا این حد همده است که در تحولات همیق سیاسی نقش مهمی ایفا می کند، حکومت ایران هر هفته ده ها نفر را در ملاعام به دار می آویزد.

در تظاهرات نهم دسامبر شرکت کنیم و گوشه ای از فجایع حکومت آخوندها را بازتاب دهیم!
این تظاهرات را به جلوه ای از هماهنگی و همگامی مان در افشای رژیم جمهوری اسلامی تبدیل کنیم!

دسامبر ۱۹۸۹
فدائیان خلق ایران (اکثریت) آلمان فدرال

برای اشتراك نشریات "کار" و "اکثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر پستی و یارسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

بهای اشتراك	اروپا	دیگر نقاط
<input type="checkbox"/> شش ماهه	۱۱ مارک	۱۳ مارک
<input type="checkbox"/> یک ساله	۲۱	۲۴

بهای اشتراك	اروپا	دیگر نقاط
<input type="checkbox"/> سه ماهه	۲۷ مارک	۳۰ مارک
<input type="checkbox"/> شش ماهه	۵۲	۵۸
<input type="checkbox"/> یک ساله	۱۰۲	۱۱۵

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

<p>AKSARIYAT NO. 285 MONDAY, 4 DEC. 89</p>	<p>آدرس: RUZBEH POSTFACH 1810 5100AACHEN W. GERMANY</p>
<p>حساب بانکی AUSTRIA .WIEN BAWAG (BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT) NR. 02910701-650 DR. GERTRAUD ARTNER</p>	<p>با جمع آوری کمک مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی یاری دهید</p>